چشمه حیات

فضائل امیر المومنین علی علیه السلام

مولف: احمد ابراهیمی هرستانی



مشخصات کتاب

سرشناسه: ابراهیمی هرستانی، احمد، 1358.

عنوان و نام پدیدآور: چشمه حیات، احمد ابراهیمی هرستانی.

مشخصات نشر: اصفهان: قائمیه 1390

مشخصات ظاهری: 113 ص.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. 113؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول 23 قبل از هجرت - 40 ق. فضائل و مناقب

صفحه آرا: عبدالحمید کریمی

ناشر مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

مراکز پخش: 1- اصفهان. خیابان مسجد سید، روبروی خیابان پنج رمضان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

2- اصفهان. خیابان حکیم، روبروی مسجد حکیم، کتابسرای حکیم

3- اصفهان. خیابان عبدالرزاق، بازار ریسمان، کتابسرای طیب

ص:1

اشاره

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

تقديم به اول مظلوم عالَم إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ يَعْسُوبُ الدِّين عَلَى ابْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام

ص:5

حمد و سپاس خداوندی را که حمد را سر آغاز کتابش و باعث زیاد شدن فضلش و دلیل بر انعام خود قرار داد و سلام بی پایان الهی به شریف ترین و عظیم ترین بندگان و هادیان بشر، حضرت محمد و آل محمد علیهم السلام که ما را به دین حنیف راهنمایی نمودند.

یکی از راه های معرفت و شناخت محمد و آل محمد علیهم السلام ورود به اقیانوس فضائل و مناقب آنهاست به طوری که هر کس بدان رسید به علوم و معارف و قدرت عظیم ولایت خواهد رسید . بر این اساس این رساله چشمه ای از اقیانوس فضائل امام المومنین و قَائِد الْغُرِّ الْمُحَجَّلِین - علی بن ابیطالب علیه السلام - است که حیات دهنده به شیفتگان و عاشقان آن حضرت بوده و بر این اوراق تنظیم گردیده است. علاوه بر آن برخی فضائل شیعیان و دوستان آن حضرت را به طور خلاصه اشاره شده است.

این مجموعه تلاش کوچکی است در راستای معرفی بخشی از معارف ولایت علوی به محبین آن حضرت علیه السلام . امید است که مورد عنایت ایشان قرار گیرد.

در پایان لازم است از همکاری دلسوزانه و مشفقانه سرور ارجمند استاد مکرم و معزز، جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مجید نبوی تشکر و قدردانی نمایم که از ابتدای این رساله ما را مرهون یاری و مساعدت خود نمودند.

مسکین آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم احمد ابراهیمی هرستانی

ص:13

فضائل و مناقب مخصوص علی علیه السلام

بالاترین فضائل مخصوص علی علیه السلام است

... عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ ... قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

«مَا اكْتَسَبَ مُكْتَسَبُ مِثْلَ فَضْلٍ عَلَى، يَهْدِى صَاحِبَهُ إِلَى الْهُدَى وَ يَرُدَّهُ عَنِ الردى.» قال أخرجه الطبرانی (1)

از عمر بن خطاب روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هیچکس به اندازه علی علیه السلام به کسب فضایل نائل نیامده است، فضائل آن حضرت به اندازه ای است که هر کس به حقیقت آن برسد، او را به راه راست هدایت می کند و از گمراهی رهایی می بخشد.

«طبرانی» هم این روایت را نقل کرده است.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مَنْصُورٍ الطُّوسِىِّ يَقُولُ؛ سَمِعْتُ أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ يَقُولُ:

مَا جَاءَ لِأَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مِنَ الْفَضَائِل مَا جَاءَ لِعَلِىِّ بْنِ أَبِى طَالِبٍ علیه السلام (2)

محمد بن منصور طوسی روایت کرده است که از احمد بن حنبل شنیدم که می گفت:

1- فضائل الخمسه من الصحاح السته، ج 1، ص 167.
2- مستدرک الصحیحین، ج 3، ص 107.

فضائلی که برای علی علیه السلام شمارش شده به اندازه ای است که برای هیچیک از صحابه ی پیغمبر، آنچنان فضائلی ذکر نشده است.

قَالَ ابْنُ عساکر عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:

مَا نَزَلَ فِی أَحَدٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَی مَا نَزَلَ فِی عَلِی علیه السلام و اخرج ابْنُ عساکِر عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:

نَزَلَ فِی عَلِیٍّ علیه السلام ثَلَاث مِائَه آیَهٍ.(1)

ابن عساکر از ابن عباس نقل کرده است، آیاتی که در قرآن کریم در شأن حضرت علی علیه السلام روایت شده، در باره ی هیچ یک از صحابه، نازل نشده است.

قَالَ ابْنُ عَبَّاس قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

لَوْ أَنَّ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَ الْغِيَاضَ أَقْلَامٌ وَ الْإِنْسَ كُتَّابٌ وَ الْجِنَّ حُسَّابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا الْحَسَن(2)

ای ابا الحسن! اگر دریاها مرکب، درختان جنگلها قلم، انسانها نویسنده و جِنیّان حسابگر شوند نمی توانند فضائل تو را بشمارند.

وَ مِنْ الْمَنَاقِبِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

أَتَانِی جَبْرَئِيلُ وَ قَدْ نَشَرَ جَنَاحَيْهِ وَ إِذَا عَلَى أَحَدِهِمَا مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ النَّبِیُّ وَ عَلَی الْآخَرِ مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلِیٌّ الْوَصِی

و از کتاب مناقب حدیثی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل در حالی که دو بالش را گسترده بود نزدم آمد، بر یکی از دو بالش نوشته شده بود. خدایی جز

1- الصواعق المحرقه ص 76، نورالابصار ص 73.
2- کشف الغمه، اربلی ج 1، ص 111، استرآبادی در تأویل الآیات، ج 2، ص 888.

خدای بی همتا نیست، محمد پیامبر است. و بر بال دیگرش، این جمله به چشم می خورد:

«خدایی جز خدای بی همتا نیست، علی علیه السلام وصی و جانشین او می باشد.»

اسرار عجیب در زمان ولادت علی علیه السلام

ولادت با سعادت مولی المتقین امام المشارق و المغارب امیرالمؤمنین علی علیه السلام بنا بر معروف در میان فرقه ی ناجیه در سال سی ام از عام الفیل واقع شده و به همین تاریخ در کتاب شریف اصول کافی تصریح شده است.

تولد آن حضرت با سال سی ام از ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مقارن بود زیرا که آن حضرت، در سال عام الفیل، بعد از پنجاه و پنج روز از هلاکت اصحاب فیل به عالم دنیا، قدم گذارد و عالم را به نور قدوم خود، منور نمود و موافقت می کند این تاریخ، با روایتی که نقل شده از حضرت صادق علیه السلام که فاطمه بنت اسد سلام الله علیها که مادر امیر علیه السلام بود نزد ابوطالب علیه السلام شوهرش آمد تا سرور و خوشحالی را با بشارت دادن به ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم برای او به ارمغان آورد تا فاطمه بنت اسد سلام الله علیها سخن گفت ابوطالب علیه السلام به او گفت:

صبر کن یک «سَبْت» تا من هم بشارت بزرگی را به تو بگویم به مولودی از تو، که در همه چیز - به غیر از پیغمبری - مثل و مانند همین مولود (یعنی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) باشد. و «سَبْت»، سی سال است و میان ولادت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر علیه السلام، سی سال فاصله شد.

و نیز موافق می شود با بعضی از تواریخ که مُفادش این است که ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سال چهل و دوم سلطنت پادشاهی انوشیروان بود و ولادت حضرت امیر علیه السلام در سال دوازدهم پادشاهی خسرو پرویز، واقع گردید. و همانطور که قبل از ظهورِ جَلَوات محمد صلی الله علیه و آله و سلم بشارتهای بسیاری بر ولادت او بود که علماء

تاریخ در کتب خود به طور مبسوط، نوشته اند. همانطور نیز قبل از طلوع خورشید علوی، بشارت داده شد به ابوطالب علیه السلام چنانکه جابر انصاری گفت:

راهبی به نام مُثْرِم بن دُعَیْب(1) که یکصد و نود سال خدای را عبادت نمود و درخواست و سؤالی در این مدت از خدا نکرد. پس از چندی از خدای متعال خواست که دوست خود را به او بنمایاند پس خداوند حضرت ابوطالب را به سوی راهب فرستاد. و راهب تا ابوطالب علیه السلام را دید از آن حضرت از وطنش، قبیله اش سؤال کرد و تا شنید از کجاست و از کدام قبیله است به تندی برخاست و سر و صورت مبارک حضرت ابوطالب علیه السلام را بوسید و گفت:

الحمد لله که خدا مرا از دنیا نبرد تا دوست خدا را شناختم. ای ابوطالب! بشارت باد تو را که حق تعالی، مرا الهام نمود که بیرون می رود از صُلب تو، فرزند پسری که او ولی الله است و نامش علی علیه السلام است و اگر تو او را دریافتی و دیدی، از من به او سلام برسان.

زلزله ی شدید هنگام ولادت علی علیه السلام و بر طرف شدن آن با اقرار به ولایت علی علیه السلام

زمانی که فاطمه بنت اَسَد، امیرالمومنین علیه السلام را در رَحِم خود داشت. زلزله ای شدید اهالی مکه را فرا گرفت به طوری که در موقع زلزله، از شدت حرکت زمین، بت ها به رو در می افتاد و کوهها، از هم متلاشی می شد و بر روی زمین می ریخت و مردم متوسل به بت ها شدند تا شاید رفع زلزله کنند و آنان را از این امر عظیم نجات دهند ولی خبری از نجات نشد، تا آنکه شبی از شبها امر زلزله شدیدتر شد و کار بر اهل مکه بسیار سخت و طاقت فرسا شد آنان تصمیم گرفتند بت ها را به جای بلندی ببرند تا شاید موثر واقع شده و زلزله کمتر شود ولی دیدند هیچ مؤثر

1- رک، بحارالانوار، ج 35، ص 10.

واقع نشد، ناچار شدند به پیش حضرت ابوطالب علیه السلام آمده، دست توسل به دامن سید قریش بزنند.

حضرت ابوطالب علیه السلام نیز ردای عربی خود را پوشید و با شکوه و عظمتی به بالای کوه رفت و فریاد بلندی زد که همه آن را می شنیدند، فرمود:

أیها الناس! ای مردم در این شب مخلوقی پا به عرصه ی زمین می گذارد که اگر اطاعت او را، نیت نکنید و اقرار به امامت و ولایت او ننمایید، این زلزله، دست بردار نیست تا زمین را زیر و زِبَر کند، اهالی مکه همه اقرار بر امامت و ولادت آن حضرت نمودند، پس حضرت ابوطالب علیه السلام دستهای خود را بلند نمود و گفت:

«إِلَهِی وَ سَیِّدِی أَسْأَلُکَ بِالْمُحَمَّدِیَّهِ الْمَحْمُودِیَّهِ وَ بِالْعَلَوِیَّهِ الْعَالِیَهِ وَ بِالْفَاطِمِیَّهِ الْبَیْضَاءِ إِلَّا تَفَضَّلْتَ عَلَی تِهَامَهَ بِالرَّأْفَهِ وَ الرَّحْمَهِ» (1)

پس آن زلزله، تسکین یافت و عرب از آن موقع به بعد عادت و رسم بر این شد تا شداید عمومی یا خصوصی، آنها را فرا می گرفت به همین نَهْج، دعا می کردند و دعای آنها مستجاب می شد ولی مصداق و مفهوم آن را نمی دانستند.

و بالجمله، چون امر زایمان فاطمه بنت اسد نزدیک شد، نزد مسجدالحرام آمد. و گفت «پروردگار من، ایمان دارم به تو و تصدیق می نمایم به آنچه تو فرستاده ای به سوی خلق، از پیامبران و کتاب هایی که نازل فرموده ای و تصدیق نمودم به کلام جدم ابراهیم، خلیل الرحمان، خدایا به حق آن کسی که بنا کرد این خانه را و به حق این مولودی که در شکم من است، امر ولادت او را بر من، آسان کن». پس در باز شد و فاطمه داخل خانه شد. فاطمه گفت: دیدم چهار تن از زنان عظیمه الشان، حواء، مریم، آسیه و مادر موسی علیه السلام و غیر آنها، از زنان بهشتی را.

1- بحار الانوار، ج 35، ص 12.

پس به نحوی که در موقع ولادت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفتار نمودند، در این مورد هم، به جا آوردند.

چون حضرت علی علیه السلام متولد شد، سجده برای خداوند به جا آورد و شهادتین بر زبان جاری کرد و بر مادرش و زنان بهشتی سلام کرد و در این هنگام آسمان از نور پیشانی اش نورانی شد. پس مادرش فاطمه او را کودکی پاکیزه یافت، او را برداشته از خانه ی کعبه بیرون آمد.

در خانه ی حق، علی چون آمد به وجود

صد گونه شرف بر شرف کعبه فزود

تبریک فرستاد خدایش به درود

کز خلقت خانه ام همین بُد مقصود

اتفاق عجیب در غسل دادن علی علیه السلام هنگام تولدش

به روایتی میان پدر و مادر در تسمیه ی نام علی علیه السلام صحبت و مجادله ای در افتاد و بعد از چند روز به درب حرم آمدند و مادر امیرالمؤمنین علیه السلام رو به سوی آسمان کرده، چیزی آغاز کرد که یک بیتش این است:

بَیَّنَ لَنَا بِحُکْمِکَ المرضی

مَا ذَا تَرَی مِنِ هَذَا الصَّبِی

یعنی الهی، حکم فرما آنچه رضای توست در نام این کودک، ناگاه از بام خانه ی کعبه ابیاتی رسید که هاتفی می خواند و آن ابیات یک بیتش این است:

فَاسْمُهُ مِنْ شَامِخٍ عَلِیٍّ

عَلِیٌّ اشْتُقَّ مِنَ الْعَلِیِّ

نام بلند او علی است، علی از عٌلی مشتق است. سپس پیامبر فرمودند: کجاست آن مولود؟ او را از غایت محبت و نهایت شفقت از گهواره بیرون

آورده، آبی طلب نموده به دست حق پرست خود شستن را آغاز کرد، چون طرف راست حضرت علی علیه السلام را شست، خود به خود بدن مبارک علی علیه السلام به طرف چپ مایل شد بی آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن سرور را بگردانند.

ص:20

به وقت غسل از آن گشت از بری به بری

که زحمتی نکشد دست حضرت از بر او

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون این حال را مشاهده کرد، آنقدر گریست که محاسن مبارکش از آب دیده تر شد. مادر امیرالمومنین و حضرت ابوطالب علیهما السلام رو به پیغمبر کرده، گفتند: یا رسول الله! سبب گریه ی شما چیست؟ گفت: می بینم این کودک مرا غسل می دهد، من هم در پیش او می گردم بی آنکه مرا بگرداند: در روز اول علی را من غسل دادم، روز آخر او مرا غسل خواهد داد. چون از غسل دادن فارغ شد مدت مزیدی زبان در دهان علی علیه السلام گذاشت، از این رو گوشت و پوست و خون علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رویید.

حال آیا کسی که اینچنین تولدش با عظمت و شوکتِ تمام، توسط اولْ سَرورِ عالَمین، حبیب خدا غسل داده شده و مورد احترام قرار گیرد أفضل بشر نخواهد بود، چه کسی است از صحابه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که این گونه مورد احترام و عظمت واقع شده باشد؟ (1)

اولین چیزی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام میل کردند، آب دهان با برکت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود

در صحاح اخبار به تواتر رسیده است که در ابتدا، هر چه مادرش، فاطمه بنت اسد سلام الله علیها می خواست او را شیر دهد، پستان در دهانش می گذاشت، ولی آن حضرت قبول نکرده گریه آغاز می نمود، مدتی بر این نهج بود، چون خبر به سرور کائنات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید آمد و در کنارش قرار گرفت و زبان در دهانش نهاد و بعد از مکیدن زبان، شیر مادر خورد. المقصود به هر وجه اول چیزی که امیرالمؤمنین

1- مناقب مرتضوی، ص 172.

علی علیه السلام خورد لعاب دهان با برکات آن سرور است و از میمنت ترشحات لعاب آن نبی که سرچشمه ی اسرار «وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی بعد به مرتبه ای دانا شد که بر منبر آمده فرمود: سَلُونِی عَمَّا دُون الْعَرْش

علی علیه السلام هنگام تولد، به جز بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چشمش را بر هیچ کس دیگر باز نکرد

چون علی علیه السلام متولد شد، ابوجهل به سرعت خود را به مسجدالحرام رسانید و خواست در چشم امیرالمؤمنین علی علیه السلام سرمه ای بکشد هر چند تلاش کرد نتوانست انگشتان خود را بر چشم امیرالمومنین علی علیه السلام گذاشته، نتوانسته چشمان مولا را باز نماید در آن حال، با قوت الهی، دستان امیرالمومنین علیه السلام چنان سیلی بر صورت ابوجهل گذاشت که بر زمین افتاد و گردنش کج شد و آن ناراست تا آخر عمرش بود و ناراستی آن لعین به خلق عالم می نُمود. مادر امیرالمومنین علیه السلام از این معنی اندوهگین گشته گفت:

ای فرزند دلبندم چرا دیده نمی گشایی و نظری به عالم نمی فرمایی؟

در این حال الهام یک مَلَک به سید اَنام - حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم - رسید که: «ابن عمّ تو متولد شده، بشتاب و او را دریاب.»

آن حضرت در مسجدالحرام آمد و علی علیه السلام را در دامن گرفت، در آن لحظه، امیرالمؤمنین علیه السلام تا بوی گیسوی مشکبار محبوب آفریدگار به مشامش رسید، دیده بر جمال جهان آرای او گشود و سلام و تحیت او به جا آورده، او را ستود و سُرمه ی «ما زاغَ الْبَصَرُ» در دیده ی آن کشید[(1)]

به جز رسول بر روی کسی نظر نگشاد

که از اَزَل نظری داشته به منظر او

1- مناقب مرتضوی، باب سیم، ص 170.

علاقه ی مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام هنگام تولد علی علیه السلام

قَالَ: فولدت علیا یَوْم الْجُمُعَه الثَّالِثَ عَشَرَ مِنْ رَجَبٍ سَنَهَ ثَلَاثِینَ مِنْ عَامِ الْفِیلِ وَ لَمْ یُولَدْ قَبْلَهُ وَ لَا بَعْدَهُ مَوْلُودٌ فِی بَیْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ سِوَاهُ إِکْرَاماً مِنَ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ وَ إِجْلَالًا لِمَحَلِّهِ فِی التَّعْظِیمِ

وَ کَانَ یَوْمَئِذٍ لِرَسُولِ اللَّهِ مِنَ العمر ثلاثون سنه فَأُحِبُّهُ رَسُولُ اللَّهِ حُبّاً شَدِیداً وَ قَالَ لَهَا اجْعَلِی مَهْدَهُ بقُرْبِ فِرَاشِی. وَ کَانَ صلی الله علیه و آله و سلم یَتَوَلَّی أَکْثَرَ تَرْبِیَتِهِ وَ کَانَ یُطَهِّرُ عَلِیّاً فِی وَقْتِ غَسْلِهِ وَ یُوجِرُهُ اللَّبَنَ عِنْدَ شُرْبِهِ وَ یُحَرِّکُ مَهْدَهُ عِنْدَ نَوْمِهِ وَ یُنَاغِیهِ فِی یَقَظَتِهِ وَ یَحْمِلُهُ عَلَی صَدْرِهِ وَ یَقُولُ:

هَذَا أَخِی وَ وَلِیِّی وَ نَاصِرِی وَ صَفِیِّی وَ خَلِیفَتِی وَ کَهْفِی وَ نَاظِرِی وَ وَصِیِّی وَ زَوْجُ کَرِیمَتِی وَ أَمِینِی عَلَی وَصِیَّتِی.

وَ کَانَ یَحْمِلُهُ عَلَی کَتِفِهِ دَائِماً وَ یَطُوفُ بِهِ فِی جِبَالِ مَکَّهَ وَ شِعَابِهَا وَ أَوْدِیَتِهَا. (1)

راوی گوید: علی علیه السلام در روز جمعه، سیزدهم ماه رجب، سی سال پس از «عام الفیل» دیده به جهان گشود و پیش از او و پس از او هیچکس در خانه ی خدا متولد نشد، تا خداوند به این وسیله، عظمت و مقام او را بنمایاند. هنگام تولد علی علیه السلام، سی سال از عمر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گذشته بود و سخت علی علیه السلام را دوست می داشت و دستور داد تا گهواره ی او را در کنار بسترش قرار دادند و بیشتر اوقات تربیت و حضانت او به دست مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صورت می گرفت و

1- ارشاد القلوب إلی الصواب، ج 2، ص 212.

هنگام نیاز، بدنش را می شست و در موقع خوردن شیر، او را در پناه خود می گرفت و گهواره اش را می جنبانید و در بیداری سرگرمش می کرد و او را به سینه ی خود می گرفت و می فرمود:

«او برادر و ولی و یاری کننده و برگزیده و جانشین و ملجأ و چشم و وصی و همسر دخت و امین وصیت من است.»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همیشه او را بر دوش خود سوار می کرد و به کوهها و درّه ها و بیابانهای اطراف مکه می برد.

خداوند بر زبان علی علیه السلام سخن گفت

مِنْ کِتَابِ الْمَنَاقِبِ لِلْخُوَارَزْمِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ:

«سَمِعتُ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وَ قَدْ سُئِلَ بِأَیِّ لُغَهٍ خَاطَبَکَ رَبُّکَ لَیْلَهَ الْمِعْرَاجِ؟

فَقالَ: خَاطَبَنِی بِلُغَهِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فَأَلْهَمَنِی أَنْ قُلْتُ یَا رَبِّ خَاطَبْتَنِی أَمْ عَلِیٌّ؟

فَقَالَ: یَا أَحْمَد أَنَا شَیْ ءٌ لَیْسَ کَالْأَشْیَاءِ وَ لَا أُقَاسُ بِالنَّاسِ وَ لَا أُوصَفُ بِالْأَشْیَاءِ خَلَقْتُکَ مِنْ نُورِی وَ خَلَقْتُ عَلِیّاً مِنْ نُورِکَ فَاطَّلَعْتُ عَلَی سَرَائِرِ قَلْبِکَ فَلَمْ أَجِدْ إِلَی قَلْبِکَ أَحَبَّ مِنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام، فَخَاطَبْتُکَ بِلِسَانِهِ کَیْ یَطْمَئِنَّ قَلْبُک.(1)

در مناقب خوارزمی از عبدالله بن عُمَر روایت شده که گفت:

«از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم در پاسخ کسی که از او پرسید خدا در شب معراج با چه زبانی با تو سخن گفت؟

1- ارشاد القلوب إلی الصواب، ج 2، ص 234.

فرمود: با زبان علی علیه السلام، پس به من الهام شد و گفتم خدایا مرا خطاب ساختی یا علی علیه السلام را؟

فرمود: ای احمد صلی الله علیه و آله و سلم من شیی هستم نه چون اشیاء و با مردم مقایسه نمی گردم و با اشیاء توصیف نمی شوم ولی تو را از نور خویش و علی علیه السلام را از نور تو آفریدم و به رازهای دلت نگاه کردم، دیدم محبوب تر از علی علیه السلام در دلت نیست، لذا با زبان او مخاطبت ساختم، تا دلت آرام گیرد.

گفتگوی خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد علی علیه السلام

وَ مِنَ الْمَنَاقِبِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

لَمَّا أُسْرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ إِلَی سِدْرَهِ الْمُنْتَهَی وَقَفْتُ بَیْنَ یَدَیِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ فَقُلْتُ لَبَّیْکَ وَ سَعْدَیْکَ قَالَ قَدْ بَلَوْتَ خَلْقِی فَأَیُّهُمْ رَأَیْتَ أَطْوَعَ لَکَ قُلْتُ رَبِّ عَلِیّاً قَالَ صَدَقْتَ یَا مُحَمَّدُ فَهَلِ اتَّخَذْتَ لِنَفْسِکَ خَلِیفَهً یُؤَدِّی عَنْکَ وَ یُعَلِّمُ عِبَادِی مِنْ کِتَابِی مَا لَا یَعْلَمُونَ قَالَ قُلْتُ رَبِّ اخْتَرْ لِی إِنَّ خِیَرَتَکَ خِیَرَتِی قَالَ قَدِ اخْتَرْتُ لَکَ عَلِیّاً فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِکَ خَلِیفَهً وَ وَصِیّاً وَ نَحَلْتُهُ عِلْمِی وَ حِلْمِی وَ هُوَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ حَقّاً لَمْ یَبْلُغْهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَیْسَتْ لِأَحَدٍ بَعْدَهُ یَا مُحَمَّدُ عَلِیٌّ رَایَهُ الْهُدَی وَ إِمَامُ مَنْ أَطَاعَنِی وَ نُورُ أَوْلِیَایِی وَ هُوَ الْکَلِمَهُ الَّتِی أَلْزَمْتُهَا الْمُتَّقِینَ مَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّنِی وَ مَنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ أَبْغَضَنِی لَوْ لَا عَلِیٌّ لَمْ یُعْرَفْ حِزْبِی وَ لَا أَوْلِیَائِی.(1)

در مناقب می نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

1- همان، ص 237.

چون مرا به آسمان سیر دادند رسیدم تا سدره المنتهی جایی که ایستادم در پیشگاه خدا عز و جل پس خدواند متعال فرمود:

ای محمد! گفتم: لَبَّیْکَ وَ سَعْدَیْک، فرمود: مخلوقین مرا آزموده ای، کدامیک از آنان، تابع ترند، برای تو؟ گفتم خدایا! علی علیه السلام، فرمود: راست گفتی ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آیا برای خود خلیفه ای برگزیده ای که از طرف تو (وظیفه) را ادا کند؟ و کتابم را به بندگانم در مواردی که نمی دانند آموزش دهد؟ گفتم خدایا تو انتخاب کن برای من، چون انتخاب تو به انتخاب من است؟ فرمود: علی علیه السلام را برایت برگزیدم، پس او را برای خود، خلیفه و وصی بدان و علم و حلم خود را به او می آموزیم و او حقاً امیرالمؤمنین است و کسی به این مقام پیش از او نرسیده و پس از او هم نخواهد رسید، ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم علی پرچم هدایت و پیشوای کسی است که مرا اطاعت کند و نور اولیای من است و او همان کلمه ای است که بر پرهیزکاران واجب کرده ام، کسی که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و کسی که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته اگر علی علیه السلام نباشد، حزب و اولیای من شناخته نمی گردد.

خدای متعال نزد فرشتگان به علی علیه السلام افتخار می کند

ابوالحسن فقیه بن شاذان در مناقب الائمه علیهم السلام از طریق عامه با استناد از امام جعفر صادق علیه السلام از محمد باقر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: صبح امروز جبرئیل امین علیه السلام بر من نازل شد در حالی که خوشحال و مسرور بود. از او سؤال کردم:

به چه علت مسرور و خوشحال هستی؟

جواب داد: ای محمد! چگونه خوشحال و مسرور نباشم، همانا تو توسط برادر و وصی و امام امتت علی بن ابیطالب علیه السلام پیروز شدی. همانا دیشب خدای تبارک

و تعالی به خاطر عبادت کردن علی علیه السلام نزد فرشتگان و حاملان عرش به ایشان افتخار کرد و فرمود:

ای فرشتگان من! به حجتم در زمین بعد از پیامبرم - محمد صلی الله علیه و آله و سلم - نگاه کنید، همانا صورت خود را برای تواضع نزد من و عظمت من به خاک می مالد، پس ای فرشتگان من! شما را شاهد می گیرم که او امامِ خلق من و ولی آنهاست.(1)

سجده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر علاقه ی خاص خداوند به علی علیه السلام

«شیخ بُرْسِی» با استفاده از ابن عباس روایت کرده است:

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آب خواستند در حالی که حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نزد ایشان بودند. پس برای ایشان آب آوردند و از آن نوشیدند. سپس به امام حسن علیه السلام تعارف کردند و ایشان نیز آب نوشیدند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان فرمودند:

«هَنِیئاً مَرِیئاً یَا أَبَا مُحَمَّدٍ» نوش جانت باشد!

پس به امام حسین علیه السلام تعارف کردند و ایشان نیز از آن آب نوشیدند و پیامبر نیز به ایشان فرمودند: «گوارا باشد بر جانت ای اباعبدالله!»

سپس به فاطمه سلام الله علیها تعارف کردند و ایشان نیز از آن آب نوشیدند و پیامبر نیز به ایشان فرمودند: «گوارا باشد بر تو ای فاطمه ای سرور زنان عالم.»

پس آب را به علی علیه السلام دادند و ایشان نیز نوشیدند. پس یکباره سجده کردند. بعضی از زنان ایشان عرض کردند:

یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به حسن و حسین علیهما السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها آب دادی و به آنها فرمودی: «هَنِیئاً مَرِیئاً» اما وقتی به علی علیه السلام آب دادی سجده کردی، چرا؟!

1- مدينه المعاجز، ص 152.

ایشان فرمودند: وقتی من آب نوشیدم شنیدم، جبرئیل و فرشتگان به من گفتند: گوارا باشد بر تو ای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم .

آنگاه که حسن علیه السلام آب نوشید جبرئیل امین علیه السلام و فرشتگان به او نیز همان را گفتند که به من گفته بودند من هم همان را به حسن علیه السلام گفتم

و وقتی حسین و فاطمه سلام الله علیها آب نوشیدند شنیدم جبرئیل امین و فرشتگان نیز به آنها می گفتند:

گوارا باشد بر جانتان، اما وقتی به علی علیه السلام آب دادم شنیدم خدای تبارک و تعالی فرمودند: «هَنِیئاً مَرِیئاً یَا وَلِیِّی وَ حُجَّتِی عَلَی خَلْقِی» گوارا باشد بر تو ای ولیم و حجّت بر خلقم به من به خاطر همین سجده کردم و خدا را به خاطر نعمتی که برای اهل بیتم فرستاده است شکر کردم.»(1)

علی علیه السلام قلب خدا است که در بر دارنده ی اسرار است

شیخ صدوق «قدس سرّه» از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

أَنَا عِلْمُ اللَّهِ وَ أَنَا قَلْبُ اللَّهِ الْوَاعِی وَ لِسَانُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ عَیْنُ اللَّهِ النَّاظِرَةُ وَ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَا یَدُ اللَّه (2)

من مظهر و نمایش دهنده ی علم خداوندم و قلب خدا هستم که اسرار و علوم خود را در آن نگهداشته است، لسان گویای پروردگار و چشم بینای او هستم و من جَنْبُ اللَّهم یعنی جانب او هستم که تمام خلق امر شده اند به آن جانب توجه

1- مدینه المعاجز، ص 151.
2- بحارالأنوار، ج 24، ص 198، ح 25. التوحید: ص 164 ح 1.

کنند و قرب خداوند جز با تقرب به من برای کسی حاصل نشود و من دست توانای حق تعالی می باشم.

نسبت هایی که در حدیث ذکر شده است جنبه احترامات والای امیرالمؤمنین علیه السلام است وگرنه ذات مقدس الهی پاک و منزه، از داشتن اعضاء و اجزاء است.

امر ملأ اعلی بر عهده ی علی علیه السلام است

مِقْدَاد بن أَسْوَد نقل می کند: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«... أَنَا حُجَّهُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرْضِهِ وَ مَا فِی السَّمَاءِ مَلَکٌ یَخْطُو قَدَماً عَنْ قَدَمٍ إِلَّا بِإِذْنِی وَ فِیَّ یَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ»(1)

من حجت خدا بر تمام خلق از اهل آسمانها و زمین هستم و در آسمان ها فرشته ای قدم از قدم بر نمی دارد مگر به اجازه ی من و درباره ی من اهل باطل به شک و تردید افتادند.

هیچکس از آفریدگان با او مقایسه نشود

مُحَمَّد بن أَبِی الْفَوَارِسِ در کتاب «اربعین» می نویسد: «حدیثی از عایشه نقل شده که گوید: من شخصی را در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم محبوب تر از علی و فاطمه سلام الله علیها ندیدم.

آنگاه سخن خود را چنین ادامه می دهد: روزی در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودم که حضرت فاطمه سلام الله علیها رو به پیامبر کرد و عرض نمود: جانم فدای تو ای رسول خدا! درود خدا بر تو باد، برای من چه فضیلتی است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

یَا فَاطِمَهُ! أَنْتِ خَیْرُ النِّسَاءِ فِی الْبَرِّیَّهِ وَ أَنْتِ سَیِّدَهُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّهِ وَ أَهْلِهَا.

1- مشارق الأنوار، ص 218.

ای فاطمه! تو بهترین زنان در میان آفریدگانی و تو بانوی بانوان بهشتی و اهل بهشت هستی. فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: ای رسول خدا! چه فضیلتی برای پسر عمویت است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: « لَا یُقَاسُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ. کسی از آفریدگان خدا با او مقایسه نمی شود.»

فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: برای دو فرزندم- حسن و حسین علیهما السلام - چه فضیلتی است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هُما وَلَدَایَ سِبْطَایَ و رَیحانَتایَ أَیَّامَ حَیَاتِی وَ بَعْدَ وَفَاتِی.

آنان فرزندان من و نوادگان و دو گُل ریحان من در دوران زندگی و پس از وفاتم هستند.

عایشه گوید: در این بین که آن دو مشغول حرف زدن بودند ناگاه علی علیه السلام آمد، رو به پیامبر خدا کرد و فرمود: پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا! درود خدا بر تو باد! نظر شما درباره ی من چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی! من، تو، فاطمه سلام الله علیها حسن و حسین علیهم السلام در بهشت در قصری از دُر خواهیم بود، این قصر در زیر عرش خداوند متعال است که اساس آن از رحمت و پیرامونش از رضوان است.

یَا عَلِیُّ! بَیْنَکَ وَ بَیْنَ نُورُ اللَّهِ بَابٌ فَتَنْظُرُ إِلَیْهِ وَ یَنْظُرُ إِلَیْکَ ٍ وَ عَلَی رَأْسِکَ تَاجٌ مِنْ نُورٍ، قَدْ أَضَاءَ نُورُهُ مَا بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ أَنْتَ تَرْفُلُ فِی حُلَلِ حُمْر وَرْدِیَّه وَ خَلَقَکَ وَ خَلَقَنِی رَبِّی وَ خَلَقَ مُحِبِّینَا مِنْ طِینَهِ تَحْتِ الْعَرْشِ وَ خَلَقَ مُبْغِضِینَا مِنْ طِینَهِ الْخَبَالِ

ای علی! بین تو و بین نور خدا دری است که تو به آن نگاه می کنی و آن به تو، بر سر تو تاجی از نور است که نورش میان شرق و غرب عالم را روشن می کند، تو در میان لباس هایی که به رنگ گل سرخ است افتخار می نمایی. پروردگارم تو و مرا آفریده است و دوستان ما را از طینت زیر عرشی آفریده و دشمنان ما را از گلِ چرکین اهل دوزخ آفریده است.(1)

حضرت علی علیه السلام در آسمان هفتم همچون خورشید برای اهل آنجا می درخشد

سُلَیْمِ بن قَیْس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که آن حضرت فرمود: علی علیه السلام در آسمان هفتم برای اهل آنجا می درخشد همانطور که خورشید برای اهل زمین فروزندگی دارد و در آسمان دنیا برای اهل زمین همانند ماه است در شب تاریک و در ادامه فرمود:

أَعْطَی اللَّهُ عَلِیّاً علیه السلام مِنَ الْفَضْلِ جُزْءاً لَوْ قَسَمَ عَلَی أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَسِعَهُمْ وَ أَعْطَاهُ مِنَ الْفَهْمِ جُزْءاً لَوْ قَسَمَ عَلَی أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَسِعَهُم اسْمُهُ مَکْتُوبٌ عَلَی کُلِّ حِجَابٍ فِی الْجَنَّهِ بَشَّرَنِی بِهِ رَبِّی.

خداوند به حضرت علی علیه السلام به اندازه ای فضیلت بخشیده است که اگر بر اهل عالم تقسیم شود همه را کفایت می کند و به اندازه ای علم و دانش به او عطا کرده است که اگر بر افراد روی زمین تقسیم شود همه را کفایت می کند یعنی همگی عالِم می شوند نام او بر همه پرده های بهشت نگاشته شده است پروردگارم مرا به وجودش مژده داد ...» (2)

ص:31

1- ترجمه القطره ج 2 ص 338، به نقل از اربعین ابن ابی الفوارس: ج 32 مخطوط.

2- امالی صدوق، ص 57 ح 7 مجلس 2، بحارالأنوار ج 39 ص 37، ح 7 - انوار النعمانیّه، ج 1، ص 24.

سلام خداوند متعال بر علی علیه السلام

ابراهیم نخعی می گوید: چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به معراج رفتند، هاتفی در آسمانها ندا داد: ای محمّد، خداوند عزّوجل همیشه بر تو سلام دارد و می گوید:

اقْرَأْ عَلَی عَلِیٍّ بن ابیطالب مِنِّی السَّلَام

سلام مرا به علی بن ابیطالب برسان. (1)

هدیه ی خداوند متعال به علی علیه السلام

در مصابیح القلوب و سیره النبی و کفایه المؤمنین از امام حسین علیه السلام مروی است که گفت:

«روزی پدر من کنار فرات رفت جهت غسل در آب شد. ناگاه موجی برآمده پیراهنش ببرد. چون بیرون آمد، هاتفی گفت: «انْظُرْ عَنْ یَمِینِکَ وَ خُذْ مَا تَرَی».

چون نگاه کرد پیرهنی دید در دیبایی پیچیده، فرا گرفت. رقعه ای از گریبانش افتاد که بر او نوشته بود:

«بسم الله الرحمن الرحیم هَذِهِ هَدِیَّهٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْحَکِیمِ إِلَی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ هَذَا قَمِیصُ یورث عِمْران کَذلِکَ وَ أَوْرَثْناها قَوْماً آخَرِینَ.»

یعنی، این تحفه ای است از خداوند عزیز حکیم به سوی علی بن ابیطالب علیه السلام، این هدیه، قَمیص است که ارث داده شده است عمران علیه السلام را، همچنین میراث می دهم او را به قومی دیگر. (2)

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج 2 ص 26 – بحارالأنوار ج 39 ص 120، المناقب ج 2 ص 229.
2- مناقب مرتضوی، ص 160.

سه هزار منقبت در یک شب

شیخ صدوق رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَیْهِ در کتاب «أَمَالِی از سعید بن جُبَیْر نقل کرده است که گفت: نزد ابن عباس آمدم و به او گفتم: ای پسر عموی رسول خدا آمده ام تا از تو درباره ی علی بن ابیطالب علیه السلام و اختلاف مردم نسبت به او سؤال کنم. فرمود: ای پسر جُبَیْر، آمدی تا از کسی که در یک شب سه هزار منقبت برای او حاصل شده، سؤال کنی؟ آمدی تا از وقتی رسول خدا و جانشین او و صاحب حوض و پرچم و شفاعت سؤال کنی؟ سپس فرمود: به حق کسی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را ختم رسولان اختیار کرد از آغاز خلقت تا انتهای آن همگی که بنویسند نمی توانند یک دهم از فضائلی را که خدا به او مرحمت کرده، بنویسند.

مراد از آن شبی که در کلام ابن عباس ذکر شد و سه هزار منقبت برای علی علیه السلام است، شب هفدهم ماه مبارک رمضان است که «لَیْلَهُ الْقِرْبَهِ» نامیده شده و جنگ بَدر در فردای آن واقع شده است و سید حِمْیَرِی رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَیْهِ در اشعار خود به آن اشاره کرده است، می گوید:

ذَاکَ الَّذِی سَلَّمَ فِی لَیْلَهٍ

عَلَیْهِ مِیکَالُ وَ جِبْرِیلُ

مِیکَالُ فِی أَلْفٍ وَ جِبْرِیلُ فِی

أَلْفٍ وَ یَتْلُوهُمْ سَرَافِیلُ

لَیْلَهَ بَدْرٍ مَدَداً أُنْزِلُوا

کَأَنَّهُمْ طَیْرٌ أَبَابِیلُ

فَسَلَّمُوا لَمَّا أَتَوْا حَذْوَهُ

وَ ذَاکَ إِعْظَامٌ وَ تَبْجِیل(1)

و او کسی است که سلام کرده است در یک شب، بر او میکائیل و جبرئیل. میکائیل در میان هزار فرشته و جبرئیل در میان هزار فرشته و به دنبال آنها

1- بشاره المصطفى ص 53، امالى شیخ طوسى ج 41 ص 201، بحارالأنوار ج 47 ص 315 ح 6.

اسرافیل در میان هزار فرشته در شب جنگ بدر به عنوان یاری و کمک اینها نازل شدند، همانند ابرهای پرنده های ابابیل که بر لشگر ابرهه فرود آمدند. پس همگی سلام کردند چون بر قدمهای او فرود آمدند و این به خاطر احترام بزرگداشت آن حضرت بوده است.)

برکت در نسل اسماعیل علیه السلام، به واسطه ی علی علیه السلام

قَالَ اللَّهُ تَعَالَی لِإِبْرَاهِیمَ علیه السلام وَ أَمَّا إِسْمَاعِیلُ فَقَدْ سَمِعْتُ دُعَاءَکَ فِیهِ وَ قَدْ بَارَکْتُهُ وَ سَأُثْمِرُهُ وَ أُکْثِرُهُ جِدّاً جِدّاً وَ أَجْعَلُ مِنْهُ اثْنَیْ عَشَرَ شَرِیفاً یُولَدُ وَ أَجْعَلُهُ حِزْباً عَظِیما

خدای متعال به ابراهیم علیه السلام فرمود دعای تو را درباره ی فرزندت اسماعیل شنیدم، وجود او را، پر برکت ساخته و او را به ثمر خواهم رساند و از وی دوازده فرزند که نسل پاکت را گسترش داده و در نهایت امتی بزرگ از صالحان و نیکوکاران پدید آورند، به وجود خواهم آورد. تردیدی نیست که علی علیه السلام یکی از آن ستارگان درخشان دوازده گانه است. (1) و این فضیلتی است که هیچ کس با او همتا نخواهد بود.

اساس بعثت انبیاء علیهم السلام ولایت علی علیه السلام

«رَوَی أَخْطَبُ خُوارَزْمَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَا عَبْدَ اللَّهِ أَتَانِی مَلَکٌ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ سَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا قَبْلَکَ مِنْ رُسُلِنَا عَلَی مَا

1- کشف الیقین فی فضائل امیرالمومنین علیه السلام، ص 6. (فضائلی است که در تورات درباره ی آن حضرت بیان شده است)

بُعِثُوا قَالَ قُلْتُ عَلَى مَا بُعِثُوا قَالَ عَلَى وَلَایَتِکَ وَ وَلَایَهِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام .» (1)

خطیب خوارزم از عبدالله بن مسعود بازگو نموده که گفت: فرشته ای نزدم آمد و پیامی از سوی خداوند آورد که فرمود: ای محمد! از پیامبرانی که قبل از تو مبعوث شدند، سؤال کن که برای چه مبعوث شدند؟ گفتم: شما بگویید برای چه مبعوث گردیدند؟ در جوابم گفت: اساس مأموریت و بعثت آنها، بر ولایت تو و علی بن ابیطالب علیه السلام استوار بوده است.

قبل از خلقت آسمان و زمین، درب بهشت آشنا با نام علی علیه السلام بود

مِنْ کِتَابِ الْمَنَاقِبِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

مَکْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِیٌّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِأَلْفَیْ عَام (2)

و در کتاب مناقب از جابر بن عبدالله انصاری روایتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دو هزار سال پیش از خلقت آسمان و زمین (با قلم قضا) بر در بهشت نوشته شده بود محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول و پیامبر خداست و علی بن ابیطالب علیه السلام برادر اوست.»

1- مناقب خوارزمی، فصل نوزدهم، ص 221، فرائد السمطین حموینی، ج 1 ص 81 شماره 52 - شواهد التنزیل ج 2 ص 156.
2- مناقب خوارزمی فصل چهاردهم ص 90 – احقاق الحق ج 4 ص 89.

خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی علی علیه السلام پیمان بسته است

عَنْ أَبِی بَرْزَهَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی عَهِدَ إِلَیَّ فِی عَلِیٍّ عَهْداً قُلْتُ یَا رَبِّ بَیِّنْهُ لِی فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ اسْتَمِعْ قُلْتُ سَمِعْتُ قَالَ إِنَّ عَلِیّاً رَایَهُ الْهُدَی وَ إِمَامُ أَوْلِیَائِی وَ نُورُ مَنْ أَطَاعَنِی وَ هُوَ الْکَلِمَهُ الَّتِی أَلْزَمْتُهَا الْمُتَّقِینَ مَنْ أَحَبَّهُ أَحَبَّنِی وَ مَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِی فَبَشِّرْهُ بِذَلِکَ

قال فَبَشَّرَتهُ فَقَالَ علیّ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ فِی قَبْضَتِهِ فَإِنْ یُعَذِّبْنِی فَبِذَنْبِی و لن یظلمنی وَ إِنْ یُتِمَّ الَّذِی بَشَّرَنِی بِهِ فَاللَّهُ أَوْلَی بِه قَالَ فَقُلْتُ اللَّهُمَّ أَجْلِ قَلْبَهُ وَ اجْعَلْ رَبِیعَهُ الْإِیمَانَ بِکَ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ فَعَلْتُ ذَلِکَ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَیَّ أَنِّی أَسْتَخِصُّهُ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَا أَخُصُّ بِهِ أَحَداً مِنْ أَصْحَابِکَ فَقُلْتُ یَا رَبِّ أَخِی وَ صَاحِبِی فَقَالَ اللَّهُ إِنَّ هَذَا أَمْرٌ قَدْ سَبَقَ أَنَّهُ مُبْتَلًی وَ مُبْتَلًی بِه (1)

ابو بَرْزَهَ از پیامبر نقل کرد که حضرت فرمودند:

خدای متعال درباره ی علی علیه السلام بر من عهد و پیمانی بسته است.

گفتم: پروردگارا برایم او را بیان بنما.

خدای با قدرت و بزرگ فرمود: بشنو. گفتم: شنیدم.

فرمود: علی عَلَم هدایت و پیشوای دوستان من و روشنایی کسی است که مرا اطاعت کند و او همان کلمه ای می باشد که پرهیزکاران بر خود لازم کرده اند، هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است پس به او مژده بده.

1- مناقب الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، ابن مغازلی شافعی، ص 94، نشر دارالأضواء.

پیامبر گفت: به او مژده دادم و علی گفت: من بنده ی خدا و در قبضه ی قدرت او هستم اگر مرا عقوبت کند به سبب گناه من است و بر من ستم نکرده است و اگر آن چه را که به من بشارت داده، تمام کند، خدا به او سزاوارتر است.

گفتم: خدایا قلب او را روشنی دِه و بهار او را ایمان به خود قرار بده پس خدای با قدرت و بزرگ فرمود:

به تحقیق آن چه را که خواستی پذیرفتم.

پس به درستی که خدا بر من پیمانی بسته که امتحان سنگینی را به او اختصاص دهم که به هیچ یک از اصحاب خودم اختصاص نداده ام. پس گفتم: ای پروردگار من، علی، برادر و رفیق من است. خداوند فرمود: به تحقیق این امری است که گذشته است که او خود امتحان می شود و به سبب او دیگران امتحان می شوند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند حق علی علیه السلام بر مسلمانان مانند حق پدر بر فرزندان خود است

حَدَّثَنی أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِیدِ بْنِ عُقْدَهَ الحافظ قال حدثنا عِیسَی بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُحَمَّدِیِّ مِنْ وُلْدِ عَلِیِّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنُ عمر بْنُ عَلی قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ أَبِیهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

حَقُّ عَلِیٍّ عَلَی الْمُسْلِمِینَ کَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَی وُلْدِه

نقل کرد به ما ابوعباس احمد فرزند محمد فرزند سعید فرزند عُقدَه ی حافظ که گفت حدیث کرد به ما عیسی فرزند عبدالله محمدی از فرزندان علی فرزند محمد فرزند عمر فرزند علی علیه السلام گفت: نقل کرد به من پدرم از پدرش از جدش علی علیه السلام که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: حق علی علیه السلام بر مسلمانان مانند حق پدر بر فرزندانش هست.

ص:37

ترس پیامبر از گفتن تمام فضائل علی علیه السلام

«مُوَفَّق بن أَحْمَد خوارزمی » از علی بن ابیطالب علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز فتح خیبر فرمود:

اگر اندیشه نمی کردم از اینکه بگویند طوایفی از امت من در حق تو آنچه نصاری در حق عیسی بن مریم علیه السلام گفتند هر آینه امروز در فضل تو سخنی می گفتم که بر هیچ گروهی از مسلمانان نگذری مگر آنکه به خاک کفش تو تبرک جویند و به زیادی آب وضوی تو استشفاء نمایند و ...

گر نبودی خوف، دُرها سُفتَمی

آنچه در دل بود یکسر گُفتَمی

لیک با این قوم که کورند و کر

چون توانم گفت اوصاف قَمَر(1)

جدایی از علی، جدایی از رسول

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَنْ فَارَقَ عَلِیّاً فَارَقَنِی وَ مَنْ فَارَقَنِی فَارَقَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَل(2)

هر کس از علی علیه السلام جدا شود از من جدا شده و هر کس از من جدا شد از خدا جدا شده است.

علی علیه السلام به منزله ی کعبه

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَثَلُ عَلِیٍّ فِیکُمْ کَمَثَلِ الْکَعْبَهِ الْمَسْتُورَهِ النَّظَرُ إِلَیْهَا عِبَادَهٌ وَ الْحَجُّ إِلَیْهَا فَرِیضَه.(3)

1- الفصول العلیه، شیخ عباس قمی، ص 46.

2- المستدرک علی الصحیحین ج 3 ف ص 123، فرائد السمطین ج 1 ص 299 ح 8 و تاریخ دمشق ج 2 ص 268 و ...

3- تاریخ دمشق ج 2 ص 406 ح 912 و مناقب ابن مغازلی ص 107 ح 149.

مثل علی در میان شما مثل همین کعبه است که نگاه کردن به آن عبادت و حق آن واجب است.

پیامبر در جای دیگر فرمودند: یا علی! تو به منزله ی کعبه ای که همه به سوی او می آیند ولی او به سوی کسی نمی آید. (1)

نزول ستاره، داله بر وصایت در خانه ی امیرالمؤمنین علیه السلام

ابن مغازلی علی بن محمد شافعی در این موضوع دو حدیث آورده است؛ اول حدیثی است که با اسناد خود از أَنَس بن مالِک در «مناقب» خود ذکر کرده است و علامه بَحرانی نیز در «غایه المرام» صفحه ی 409 عین این حدیث را از او روایت کرده است.

عَنْ أَنَسٍ قَالَ انْقَضَّ كَوْكَبٌ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: مَنِ انْقَضَّ هَذَا النَّجْمُ فِی دَارِهِ فَهُوَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِی، فَنَظَرْنَا فَإِذَا هُوَ انْقَضَّ فِی مَنْزِلِ عَلِیٍّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تعالی: وَ النَّجْمِ إِذا هَوی ما ضَلَّ صاحِبُكُمْ وَ ما غَوی وَ ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوی إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ يُوحی

عَنْ أَنَسٍ قَالَ انْقَضَّ كَوْكَبٌ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: مَنِ انْقَضَّ هَذَا النَّجْمُ فِی دَارِهِ فَهُوَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِی، فَنَظَروا فَإِذَا هُوَ انْقَضَّ فِی مَنْزِلِ عَلِیٍّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تعالی: وَ النَّجْمِ إِذا هَوی ما ضَلَّ صاحِبُكُمْ وَ ما غَوی وَ ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوی إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ يُوحی

1- أُسْدالغابه ج 4 ص 31.

انس گوید: ستاره ای در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خم می شد (یعنی به شکل خط نورانی در حرکت بود) حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس که این ستاره، در خانه ی او فرود آید او بعد از من جانشین من خواهد بود. چون مردم نگریستند، دیدند آن ستاره در منزل علی بن ابیطالب علیه السلام فرود آمد و خداوند متعال این آیه را فرستاد:

«سوگند به آن ستاره ی درخشان هنگامی که فرود آمد، که صاحب شما گمراه نگشته و اغوا نشده است و از روی هوای نفس تکلم نمی کند (و راجع به خلافت و وصایت ابن عم خود امیرالمؤمنین علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از نزد خود چیزی نمی گوید، تمام گفتار او وحی است که از جانب حضرت رب العزه به او وحی گردیده است».

دوم، حدیثی است که ابن مغازلی نیز در «مناقب» خود با اسناد خود از سعید بن جُبَیْر از ابن عباس روایت نموده است و علامه بحرانی در صفحه 409 از «غایه المرام» نیز از ابن مغازلی روایت می کند:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كُنْتُ جَالِساً مَعَ فِتْيَهٍ مِنْ بَنِی هَاشِمٍ عِنْدَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم إِذَا انْقَضَّ كَوْكَبٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مَنِ انْقَضَّ هَذَا النَّجْمُ فِی مَنْزِلِهِ فَهُوَ الْوَصِیُّ مِنْ بَعْدِی فَقَامَ فِتْيَهٌ مِنْ بَنِی هَاشِمٍ فَنَظَرُوا فَإِذَا الْكَوْكَبُ قَدِ انْقَضَّ فِی مَنْزِلِ عَلِیٍّ بن ابیطالب قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ غَوَيْتَ فِی حُبِّ عَلِیٍّ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَی وَ النَّجْمِ إِذا هَوی إِلَی قَوْلِهِ وَ هُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلی

ابن عباس گوید: من با گروهی از جوانان بنی هاشم در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم که ناگهان ستاره ای بسیار نورانی حرکت نمود و می خواست فرود آید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این ستاره در منزل هر کس فرود آید او بعد از من وصی من خواهد بود. جماعتی از آن جوانان بنی هاشمی برخاستند که بنگرند ستاره در خانه ی که فرود می آید، دیدند که در منزل علی بن ابیطالب علیه السلام فرود

آمده، پنهان شد. گفتند ای رسول خدا درباره ی محبت بر علی بن ابیطالب مفتون شدی و به ضلال و غوایت افتادی. خداوند این آیه را فرو فرستاد که:

«سوگند به آن ستاره ای که فرود آمد صاحب شما گمراه نشده و به غوایت در نیفتاده است.» - تا قول خدای تعالی که - «اوست در افق بلند و عالی.» (1)

دست علی علیه السلام با دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مساوی در عدل

علامه خطیب بغدادی به نقل از اَنَس بن مالک از عُمَر بن خطاب از ابوبکر از ابوهریره آورده است که گفت:

در حالی وارد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شدم که مقداری خرما جلو روی آن حضرت بود. پس سلام کردم و بعد از جواب سلام مشتی از آن را به من داد و چون شمردم هفتاد و سه دانه بود. آنگاه از نزد پیغمبر به سراغ علی علیه السلام رفتم و در نزد او هم مقداری خرما نهاده شده بود و او هم بعد از اینکه من سلام کردم و جواب داد مشتی از آن خرماها را به من داد و چون آنها را شمردم بدون کم و زیاد هفتاد و سه دانه بود پس من با تعجب زیاد از هم عددی خرماهای اعطایی به خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتم و ماجرای یکسان و هم عددی خرمای آن حضرت و علی علیه السلام را که مایه ی تعجب من شده بود گزارش دادم.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تبسّم نمود و فرمود:

«یا أبا هریره اما علمت أنّ یَدِی وَ یَدَ عَلِیٍّ بن ابیطالب فِی الْعَدْلِ سَوَاءٌ»(2)

1- ینابیع الموده، ص 229 - أرجح المطالب، عبدالله حنفی امام شناسی - علامه طهرانی ص 72.
2- امام امیرالمومنین علی از دیدگاه خلفا، مهدی فقیه ایمانی ص 48.

ای ابوهریره! مگر نمی دانی که دست من و دست علی بن ابیطالب علیه السلام در عدل یکسان و مساوی است.

به شرافت رسیدن توسط علی علیه السلام

علامه ابن حَجَر به نقل از «استیعابِ» ابن عبدالبر از ابن مسیب روایت نموده که عُمَر گفت:

«تَحَبَّبُوا إِلَى الْأَشْرَافِ وَ تَوَدَّدُوا وَ اتَّقُوا عَلَى أَعْرَاضِكُمْ مِنَ السَّفِلَهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَا يَتِمُّ شَرَفٌ إِلَّا بِوَلَايَهِ عَلِیّ» (1)

نسبت به افراد شریف و با شخصیت محبت و دوستی از خود نشان دهید و در رابطه با حفظ آبروی خود از افراد پست و بی شخصیت بپرهیزید و بر حذر باشید و دانسته باشید که هیچگونه شَرَفی به درجه ی تمامیت نرسید مگر به ولایت علی.

کلام حضرت خضر در فضائل امیرالمومنین علیه السلام

صَفوانی در کتاب «محن» و کُلینی در کتاب «کافی» روایت کرده اند که چون امیرالمومنین علیه السلام به شهادت رسیدند:

جَاءَ شَيْخٌ يَبْكِی وَ هُوَ يَقُولُ الْيَوْمَ انْقَطَعَتْ عِلَاقَهُ النُّبُوَّهِ حَتَّى وَقَفَ بِبَابِ الْبَيْتِ الَّذِی فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَخَذَ بِعِضَادَتَیِ الْبَابِ فَقَالَ رَحِمَکَ اللَّهُ فَلَقَدْ كُنْتَ أَوَّلَ النَّاسِ إِسْلَاماً وَ أَخْلَصَهُمْ إِيمَاناً وَ أَشَدَّهُمْ يَقِيناً وَ أَخْوَفَهُمْ مِنَ اللَّهِ وَ أَطْوَعَهُمْ لِنَبِیِ اللَّهِ وَ أَفْضَلَهُمْ مَنَاقِباً وَ أَكْثَرَهُمْ سَوَابِقاً وَ أَشْبَهَهُمْ بِهِ خَلْقاً وَ خُلُقاً وَ سِيمَاءً وَ فَضْلًا وَ كُنْتَ أَخْفَضَهُمْ صَوْتاً وَ أَعْلَاهُمْ طَوْداً وَ أَقَلَّهُمْ كَلَاماً وَ

1- امام امیرالمومنین از دیدگاه خلفا، مهدی فقیه ایمانی ص 146 به نقل از صواعق المحرقه ص 106.

أَصْوَبَهُمْ مَنْطِقاً وَ أَشْجَعَهُمْ قَلْباً وَ أَحْسَنَهُمْ عَمَلًا وَ أَقْوَاهُمْ يَقِيناً حَفِظْتَ مَا ضَيَّعُوا وَ رَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا وَ شَمَّرْتَ إِذْ اجْتَمَعُوا وَ عَلَوْتَ إِذْ هَلِعُوا وَ وَقَفْتَ إِذْ شَرَعُوا وَ أَدْرَكْتَ أَوْتَارَ مَا ظَلَمُوا كُنْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَاباً وَاصِباً وَ لِلْمُؤْمِنِينَ كَهْفاً وَ حِصْناً كُنْتَ كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تُحَرِّكُكَ الْعَوَاصِفُ وَ كُنْتَ لِلطِّفْلِ كَالْأَبِ الشَّفِيقِ وَ لِلْأَرَامِلِ كَالْبَعْلِ الْعَطُوفِ قَسَمْتَ بِالسَّوِيَّهِ وَ عَدَلْتَ فِی الرَّعِيَّهِ وَ أَطْفَأْتَ النِّيرَانَ وَ كَسَرْتَ الْأَصْنَامَ وَ أَذْلَلْتَ الْأَوْثَانَ وَ عَبَدْتَ الرَّحْمَنَ فِی كَلَامٍ لَهُ كَثِيرٍ فَالْتَفَتُوا فَلَمْ يَرَوْا أَحَداً فَسُئِلَ الْحَسَنُ علیه السلام مَنْ كَانَ الرَّجُلُ قَالَ الْخَضِرُ علیه السلام . (1)

چون امیرالمومنین علیه السلام به شهادت رسیدند، پیرمردی گریه کنان آمد در حالی که می گفت: «امروز زنجیرهای نبوت پاره شد،» تا ایستاد در اتاقی که حضرت در آنجا مرغ روحش پرواز نموده بود و با دو دست خود دو بازوی دو طرف در را گرفت و گفت: خدا تو را رحمت کند، حقاً که اولین کسی بودی که اسلام آوردی و پاک ترین آنها بودی از جهت ایمان و یقینت از همه شدیدتر بود و خوفت از خدا نسبت به همه بیشتر و طاعتت به پیغمبر خدا از همه فزون تر و مناقبت و فضائلت از همه عالیتر و سوابقت از همه زیادتر و شباهتت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جهت قوای طبیعی و اخلاق معنوی و از جهت علائم روحانی در چهره ات و از جهت فضل و شرافت از همه بیشتر بود و از جهت سر و صدا از همه آرامتر بودی و از جهت استقامت و ثباتت از همه بالاتر و رفیع مرتبه تر بودی. کلام و سخنت از

1- امام شناسی، علامه طهرانی، ج 4، ص 73، به نقل از مناقب ابن شهر آشوب ج 1 ص 481.

همه مقبول تر و منطقت از همه صحیح تر و قلبت از همه شجاعتر و کردارت از همه نیکوتر و یقینت از همه قویتر بود.

حفظ کردی آنچه را که ضایع کردند و رعایت کردی آنچه را که مُهْمل گذاشتند و دامن هِمَّت به کمر زدی در وقتی که آنها اجتماع کردند و نفس خود را بلند داشتی هنگامی که آنها حرص زدند و توقف کردی در وقتی که آنها بدعت نهادند و دادخواهی کردی نسبت به ظلم هایی که نمودند. ای علی تو نسبت به کافران، عذاب سخت و مداوم بودی و نسبت به مؤمنان پناهگاه و ملجأ و حِصن. تو مانند کوهی عظیم و ثابت بودی که تند بادهای اهواء و آراء باطل و طوفانهای سختِ امیال و انکار مخالفین ابداً مختصر حرکتی و تکانی در تو به وجود نیاورد.

نسبت به کودکان مانند پدر مهربان و نسبت به بیوه زنان چون شوهر رؤوف و عطوف بودی. بیت المال را به طور تساوی تقسیم کردی و در رعیت و توده ی مردم به عدالت رفتار نمودی و آتش های کفر و شرک و بیداد و تجاوز بر حقوق را خاموش کردی و بت های ظاهر و باطن را در هم شکستی و ذلیل نمودی و در مقام بندگی خداوند عز و جل قیام و اقدام کردی و بسیار از این قبیل سخنان گفت و صفات عالیه ی آن حضرت را بیان کرد و ناگهان ناپدید شد!

مردم که التفات کردند کسی را ندیدند و از حضرت امام حسن علیه السلام سؤال کردند؟ فرمود: آن مرد پیر، حضرت خضر علیه السلام بود.

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم

آری چه خوب خضر پیغمبر علیه السلام آن حضرت را بدین صفات عالیه ستوده و تمجید نموده و در مصیبت آن حضرت گریان شده است.

ص:44

پیراهن نبوت بر تن علی علیه السلام

ام سَلَمِه گفت: روزی سه نفر از مشرکان نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمدند. یکی از آنها گفت: ای محمد! تو ادعایی کرده ایی که از ابراهیم فاضلتری، ابراهیم علیه السلام، خلیل خدا بود ولی تو خلیل او نیستی.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ابراهیم علیه السلام، خلیل بود و من حبیب و صفی ام. و حبیب و صفی بهتر باشد.

گفت: تو گفتی که از موسی علیه السلام بهترم. در حالی که موسی کلیم علیه السلام خدا بود و با حق تعالی سخن گفت و تو با حق سخن نگفتی.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گفت: موسی علیه السلام سخن گفت در زمین و من وراء حجاب و بر بالای هفت آسمان بر سُرادُق عرش با حق سخن گفتم.

دیگری گفت: تو گفتی که من از عیسی علیه السلام بهترم. عیسی علیه السلام مرده زنده کرد و تو نکردی.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دست بر هم زد و گفت یا علی! یا علی! در همان لحظه علی علیه السلام از درب وارد شد. فرمود: ای علی کجا بودی؟ فرمود: در فلان نخلستان خرما بودم.

آواز شما به من رسید، خود را به اینجا رسانیدم. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بیا و این پیراهن نبوت من را بپوش و با این سه تن به قبرستان «یوسِف بن کَعْب» برو و ما را از بهر ایشان زنده کن تا علامت نبوت و کرامت امامت ببینند. امام علی علیه السلام پیراهن را پوشید و با آنها رفت.

ام سَلَمِه می گوید: من نیز از رسول خدا اجازه خواستم و رفتم. شاه مردان علی علیه السلام به قبرستان رسید و در آنجا ایستاد و کلمه ای را بر زبان جاری نمود و فرمود. ای صاحب گور! برخیز به فرمان حق تعالی و تصدیق ادعای رسول کن، گور در جنبش آمد، بار دیگر بگفت، گور بشکافته شد. پیری برخاست و خاک از سر خود دور کرد.

علی علیه السلام فرمود: تو کیستی؟

گفت: منم یوسِف بن کَعْب صَاحِب الْأُخْدُود و سیصد سال است که مُرده ام و این سال آوازی شنیدم که می گفت ای یوسِف بن کَعْب برخیز از برای تصدیق دعوی سید الاولین و الاخرین. آن مشرکان به یکدیگر نگریستند و گفتند مبادا که قریش بدانند که به سبب درخواست ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را چنین معجزه ای ظاهر شد. رو به علی علیه السلام کردند و گفتند ای علی بگو به مقام خود برگردد در این لحظه حضرت دستور دادند و آن مُرده به قبر خود برگشت. (1)

اسرار معراج علی علیه السلام

رَجَب بُرْسِی (ره) در کتاب «مشارق الأنوار» نقل می کند. شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را بر دوش خود بالا برد؟ فرمود:

تا اینکه مردم مقام رفیع و مرتبه ی والای او را بشناسند

عرض کرد: زیادتر برایم توضیح دهید.

فرمود: تا مردم بدانند او به مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از هر کس سزاوارتر است.

عرض کرد: بیشتر توضیح دهید.

فرمود: لِيَعْلَمَ النَّاسُ إِنَّهُ إِمَامٌ بَعْدَهُ وَ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ، تا مردم بدانند علی علیه السلام بعد از او پیشوای مردم و پرچم برافراشته ی هدایت است.

عرض کرد: زیادتر بفرمایید.

حضرت فرمود: هَيْهَاتَ وَ اللَّهِ لَوْ أَخْبَرْتُکَ بکنه ذاک لقمت عنّی وَ أَنْتَ تَقُولُ: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ كَاذِبٌ فِی قَوْلِهِ أَوْ مَجْنُونٌ وَ كَيْفَ يَطَّلِعُ عَلَى الْأَسْرَارِ غَيْرَ الْأَبْرَارِ هَيْهَاتَ.

1- داستان عارفان، کاظم مقدم ص 51.

اگر از حقیقت و باطن آن به تو خبر دهم از من کناره می گیری و می گویی جعفر بن محمد، دروغگو یا دیوانه است و چگونه بر اسرار کسی جز ابرار و نیکوکاران آگاهی پیدا می کنند. (1)

مذمت پنهان کردن فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود:

لَا یُعَذِّبُ اللَّهُ هَذَا الْخَلْقَ إِلَّا بِذُنُوبِ الْعُلَمَاءِ الَّذِینَ یَکْتُمُونَ الحَقَّ من فَضْلَ عَلِی وَ عِتْرَتِهِ.

خداوند این مردم را عذاب نمی کند مگر به خاطر گناه دانشمندان ایشان، آنها که حق را کتمان کردند و فضائل علی علیه السلام و عترت طاهرین او را بیان نکردند

أَلَا وَ إِنَّهُ لَمْ یَمْشِ فَوْقَ الْأَرْضِ بَعْدَ النَّبِیِّینَ وَ الْمُرْسَلِینَ أَفْضَلُ مِنْ شِیعَهِ عَلِیٍّ وَ مُحِبِّیهِ الَّذِینَ یُظْهِرُونَ أَمْرَه وَ یُنْشَرُونَ فَضْلَه أولَئِکَ تَغْشَاهُمُ الرَّحْمَه وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُمُ الْمَلَائِکَهُ.

بدانید راه نمی رود بر روی زمین بعد از پیغمبران و رسولان کسی که مقامش برتر از شیعیان و دوستان علی علیه السلام باشد، آنهایی که امر ولایت آن حضرت را ظاهر می کنند و فضائل او را منتشر می کنند، رحمت الهی سر تا پای وجود آنها را فرا می گیرد و فرشتگان برای آنها استغفار می کنند.

الْوَیْلُ کُلُّ الْوَیْلِ لِمَنْ یَکْتُمْ فَضَائِلَهُ وَ یَکْتُمْ أَمْرَهُ فَما أَصْبَرَهُمْ عَلَی النَّارِ.

و بدبختی به تمام معنا نصیب کسانی می شود که فضائل او را کتمان می کنند و امر او را پنهان می دارند چگونه می خواهند در آتش پایداری کنند.

ص:47

1- مشارق الأنوار، ص 17.

این حق است (1) زیرا کسی که فضائل او را از روی جهل و نادانی پنهان کند دچار هلاکت و نابودی است، چون امام زمان علیه السلام خود را نشناخته است و کسی که از روی آگاهی به خاطر دشمنی پنهان کند، منافق است، زیرا طینت و سرشت او ناپاک است و با آن حضرت جز منافق گمراه دشمنی نمی کند. ولایت آن حضرت بر طینت او عرضه شد و از پذیرش آن خودداری کرد و لذا مسخ گردید (یعنی تغییر ماهیت و حقیقت داد و در عالم مُسُوخات بر او ندا داده شده که آن خبیث است. به دیگر خبیثان ملحق گردد، پس او دین ندارد و عبادت های او عبادت نیست. (2)

خداوند دوست ندارد جز علی علیه السلام کسی دیگر برادر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد

عَنْ زَیْدِ بْنِ عَلِیٍّ مِنْ أَبِیهِ، عَنْ جَدِّهِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهم السلام عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام:

أَتَیْتُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله و سلم وَ هُوَ فِی بَعْضِ حُجُرَاتِهِ، فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَیْهِ فَأَذِنَ لِی فَلَمَّا دَخَلْتُ قَالَ لِی:

یَا عَلِیُّ! أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ بَیْتِی بَیْتُکَ فَمَا لَکَ تَسْتَأْذِنُ عَلَیَّ؟

قالَ: فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْبَبْتُ أَنْ أَفْعَلَ ذَلِکَ.

قَالَ یَا عَلِیُّ أَحْبَبْتَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ وَ أَخَذْتَ بِآدَابِ اللَّهِ.

یَا عَلِیُّ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّکَ أَخِی و أنَّ خالِقی و رزّاقی أَبَی أَنْ یَکُونَ لِی أخٌ دُونَکَ

ص:48

1- از اینجا ظاهراً کلام رَجَب بُرسِی صاحب کتاب مشارق الانوار است.
2- ترجمه القطره، ج 1 ص 248 به نقل از مشارق الانوار ص 151، الدمعه الساکبه ج 2 ص 56.

يَا عَلِيُّ! أَنْتَ وَصِيِّی مِنْ بَعْدِی وَ أَنْتَ الْمَظْلُومُ الْمُضْطَهَدُ بَعْدِی. يَا عَلِيُّ! الثَّابِتُ عَلَيْکَ کَالْمُقِيمِ مَعِی وَ مُفَارِقُکَ مُفَارِقِی. يَا عَلِيُّ! کَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِی وَ يُبْغِضُکَ لِأَنَّ اَللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنِی وَ إِيَّاکَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ.(1)

زَید بن علی از پدر بزرگوارش حضرت امام سجاد علیه السلام از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نقل می کنند که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از اتاق های (همسرانشان) آمدم و برای ورود اجازه خواستم، آن حضرت اجازه دادند و فرمودند: ای علی! آیا نمی دانی خانه ی من خانه ی شماست؟ چرا برای داخل شدن اجازه می گیرید؟ عرض کردم: ای رسول خدا! دوست داشتم این گونه عمل کنم (بدون اجازه داخل نشوم)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی! شما آنچه را خدا دوست دارد دوست می داری و به آداب الهی عمل می کنی.

ای علی! آیا می دانی شما برادر من هستی و همانا خالق و رازق من نمی خواهد من برادری غیر از شما داشته باشم؟

ای علی! شما بعد از من وصی من هستی و پس از من مظلوم واقع می شوی و حقت پایمال می گردد.

ای علی! هر کس در کنار شما ثابت قدم بماند، مانند آن است که در کنار من باقی مانده و هر کس از شما جدا شود، از من جدا شده.

ای علی! دروغ می گوید کسی که گمان می کند مرا دوست دارد، در حالی که با شما دشمنی می کند، زیرا خداوند تعالی من و شما را از یک نور خلق نموده.

1- غایه المرام، 7 ح 12، المستدرک 2/71 کنز الفوائد: 208 - بحار الانوار ج 27 ص 230

علی ملیئُ الایمان

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علی ملیئُ الایمان إِلَی مُشَاشِهِ.

علی علیه السلام سراپای وجودش و یکایک اعضای وجودیش مالامال از ایمان است.

یعنی علی علیه السلام به خاطر برخورداری همه ی ابعاد وجودیش و اعضاء بدنش از ایمان به خدا، هیچگونه کار خلافی از هیچ یک از آنها سر نزده. (1)

آمدن امیرالمومنین علیه السلام از مدینه به مدائن برای دفن سلمان علیه السلام

ابن شهر آشوب روایت کند که از حبیب بن حسن عَتَکِی. از جابر بن عبدالله انصاری که گفت:

«حضرت امیرالمومنین علیه السلام نماز صبح را به جماعت در مدینه با ما خواندند و پس از آن رو به ما نموده گفتند: ای مردم خدا اجر شما را در مرگ برادرتان سلمان، بزرگ قرار دهد و آن وقت عمامه ی رسول خدا را به سر بستند و دراعه ی رسول خدا را پوشیدند و قضیب رسول خدا را به دست گرفته و شمشیر او را حمایل نموده و بر ناقه ی غضباء که از رسول خدا ارث رسیده بود سوار شدند و به قنبر گفتند: از یک تا ده بشمار، قنبر گوید: همین که شمردم ما در مدائن پشت درب خانه ی سلمان بودیم.

زاذان گوید که: چون مرگ سلمان نزدیک شد من به او گفتم: که تو را غسل می دهد؟ گفت: همان کسی که رسول خدا را غسل داده است. گفتم: ای سلمان تو در مدائن هستی و او در مدینه است!

گفت: ای زاذان چون جانم از بدنم پرواز کرد چانه و لِحْیه ی مرا ببند، در آن حال صدای چیزی که به زمین افتد خواهی شنید. زاذان گوید: سلمان روحش از قالب

1- علی یا علی، مهدی فقیه ایمانی ص 33.

تن پرواز کرد، من چانه ی او را بستم، در آن حال صدای چیزی که به زمین سقوط نماید در پشت در شنیدم، در را باز کردم دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام است.

حضرت فرمود: ای زاذان بنده ی صالح و عبد پرهیزگار خدا سلمان جان داد؟

عرض کردم: بلی ای آقای من.

حضرت وارد شد و رداء را از روی سلمان کنار زد، سلمان بر روی امیرالمومنین تبسمی کرد. حضرت فرمود: آفرین بر تو ای سلمان چون به محضر مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیدی بگو بعد از تو امت تو با علی چه کردند. حضرت مشغول غسل و کفن او شدند و چون بر سلمان نماز گذاردند از آن حضرت صدای تکبیر شَدیدی شنیدم و دو نفر دیگر را دیدیم که با آن حضرت نماز می گذاردند، چون سؤال کردیم فرمود: یکی از آنها برادرم جعفر و دیگری خضر علیه السلام است.

و با هر یک از آن دو هفتاد صف از ملائکه و در هر صفی هزار هزار ملک بودند». (حضرت سلمان را در قبر گذاشتند و خاک بر او انباشتند و سپس به مدینه مراجعت کردند و هنوز سپدی صبح ظاهر نشده بود). و ابوالفضل تمیمی در این قضیه گوید:

سَمِعْتَ مِنّی یَسراً فی عَجائِبِهِ

وَ کُلّ امرِ عَلِیٍّ لَمْ یَزَلْ عَجبَا

تو از من مقدار کمی از عجائب علی بن ابیطالب شنیدی و تمام امور علی همیشه عجیب بوده است.

ادَرَیْتَ فی لَیْلَه سارَ الوَصِیُّ الَی

ارْضِ الْمَدائِنِ لَمّا انْ لَها طُلِبا

دانستی که در یک شب وصی رسول خدا چون دعوت شده بود از مدینه به سرزمین مدائن آمد.

فَالْحَدَ الطُّهْرَ سَلْماناً وَ عادَ الَی

عِراصِ يَثْرِبَ وَ الاصباحُ مَا قَرُبا

ص:51

پس بدن طاهر سلمان را در میان قبر جای داد و سپس قبل از آنکه صبح طلوع کند به سرزمین مدینه برگشت.

کَاصِفَ قَبْلَ رَدَّ الطَّرفِ مِن سَبَا

بِعَرْشِ بِلْقَیْسِ وَافَی یَخْرُقُ الحُجُبا

مانند آصف بن برخیا وصی سلیمان بن داوود که قبل از یک چشم بر هم زدن و یک مژگان بر هم نهادن از شهر سَبَإ تخت بِلْقِیس را برای سلیمان آورد و موانع و حجابها را پاره کرد.

فِی آصِفَ لَمْ تَقُلْ ءانَتَ بَلی

انَا بِحَیْدَرِ غالٍ اورِدُ الکَذِبا؟

درباره ی آصف بن برخیا مگر تو تصدیق نکردی لیکن می گوئی که من درباره ی أمیرالمؤمنین علیّ بن أبیطالب حیدر علیه السلام غلوّ کرده ام و مطالب دروغ را آورده ام؟

ان کانَ احْمدُ المُرْسَلِینَ فَذَا

خَیرُ الوَصِّیّنَ اوْ کُلُّ الحَدِیثِ هَبا

اگر آصف بن برخیا که وصی سلیمان است، بتواند عرش بلقیس را در کمتر از یک چشم به هم نهادن از شهر سَبَإ حاضر کند پس احمد خاتم الانبیاء و المرسلین است و وصی او که خیر الوصیین چگونه نمی تواند در یک شب از مدینه به مدائن آید و برگردد؟

یا آنکه به کلی انکار کن و بگو تمام این مطالب قرآن و آوردن تخت بلقیس از سبا نیز سخن به مجازفه و پراکنده گویی بوده است.

وَ قُلْتَ ما قُلْتَ مِن قَوْلِ الغُلاه فَما

ذَنْبُ الغُلاه إذا قَالُوا الَّذی وَجَبا (1)

و می گویی که این معجزات را اهل غلوّ به علی نسبت می دهند، گناه اهل غلوّ چیست اگر احیاناً حکایت از امر واقع شده و حقیقی بنمایند.

1- امام شناسی ج 4، علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی، مناقب ابن شهر آشوب ج 1، ص 448 و 449.

قسمتی از زمین که ولایت علی را پذیرفت پاکیزه و زیبا و آنکه سرپیچی کرد، نمکزار شد.

در کتاب «المجموع الرائق من أزهار الحدائق» آمده است: برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام صد فضیلت و برتری ویژه نقل شده است که این فضائل را شیخ سعید، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بَابَوَیْه قُدِّسَ سِرُّهُ در روز غدیر خم سال 361 روایت نموده است، این فضائل و مناقب از لبان گهربار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جاری شده که خداوند متعال امیرالمؤمنین علی علیه السلام را مخصوص این فضائل گردانیده است.

که در آنجا چند مورد از آن فضائل این است که:

«... او نخستین شخصیتی است که در روز رستاخیز با نامش خوانده می شود، او کسی است که فرشتگان به ولایت او به سوی خدا تقرب می جویند، او کسی است که ولایتش به نقاط مختلف زمین عرضه شد، آن قسمت که پذیرفت پاکیزه و قابل کشت گشت و آنکه سرپیچی کرد نمکزار شد. او کسی است که ولایتش به گیاهان عرضه شد، آنکه پذیرفت گیاه سودمند گشت و آنکه سر، باز زد سَمِّ کُشنده گشت.» (1)

اولین کسی که در آسمان علی علیه السلام را برادر گرفت

خوارزمی که از علمای اهل سنت در کتاب «المناقب» از ابن مسعود نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اول کسی که از اهل آسمان علی علیه السلام را برای خود برادر گرفت اسرافیل بود و بعد از او میکائیل و جبرئیل بودند و اول کسانی که از اهل آسمان به دوستی علی علیه السلام مفتخر گردیده اند فرشتگانی هستند که عرش

ص:53

1- القطره ج 2 ص 325، به نقل از المجموع الرائق ج 2، ص 320.

الهی را به دوش دارند، بعد از آنها رضوان است که خزانه دار بهشت است و بعد از او فرشته ی قبض روح یعنی عزرائیل است.

إِنَّ مَلَکَ الْمَوْتِ یَتَرَحَّمُ عَلَی مُحِبِّی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ کَمَا یَتَرَحَّمُ عَلَی الْأَنْبِیَاءِ علیهم السلام

و او به دوستان علی بن ابیطالب علیه السلام رحم می کند همانطور که بر پیامبران ترحّم می نماید.(1)

بعضی فرشتگان خوراکی و آشامیدنی آنها صلوات بر علی علیه السلام است.

ابن شاذان رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَیْهِ در کتاب «مِائَهُ مَنْقَبَهٍ» از ابوهریره نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«خداوند تبارک و تعالی در آسمان چهارم صد هزار فرشته و در آسمان پنجم سیصد هزار و در آسمان هفتم فرشته ای را آفرید که سرش زیر عرش الهی و پاهایش زیر زمین است و نیز فرشتگانی را آفرید که عدد آنها از دو طایفه ی بزرگ عربِ آن روز به نام رَبِیعَه وَ مُضَر بیشتر است.»

لَیْسَ لَهُمْ طَعَامٌ وَ لَا شَرَابٌ إِلَّا الصَّلَاهَ عَلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَ مُحِبِّیهِ وَ الِاسْتِغْفَارِ لِشِیعَتِهِ الْمُذْنِبِینَ وَ مَوَالِیه.(2)

خوراک آنها و نوشیدنی ایشان چیزی به جز صلوات فرستادن بر امیرالمؤمنین علیه السلام و دوستانش و استغفار کردن برای شیعیان گنهکار و موالیانش نیست.

ص:54

1- مناقب خوارزمی 72 ح 49، ینابیع الموده ص 133، کشف الغمه ج 1 ص 103، بحارالأنوار ج 38 ص 335 ضمن ح 10.
2- مائه منقبه، ص 175 فضیلت 88، بحارالأنوار ج 26 ص 349 ح 22.

اشتیاق ملائکه برای دیدن علی علیه السلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

«... إِنَّ مَلَائِکَهَ السَّمَاوَاتِ وَ الْحُجُبِ لَیَشْتَاقُونَ إِلَی رُؤْیَهِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام کَمَا تَشْتَاقُ الْوَالِدَهُ الشَّفِیقَهُ إِلَی وَلَدِهَا الْبَارِّ الشَّفِیقِ»(1)

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«... همانا فرشتگان آسمانها و حُجُب، همانند شوق و علاقه ی مادر مهربان به فرزند نیکوکار دلسوز مشتاق دیدار علیّ بن ابیطالب علیه السلام هستند.»

سوگند فرشتگان در میان خودشان، سوگند به علی علیه السلام است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

«... وَ الَّذِی شَرَّفَ عَلِیّاً عَلَی جَمِیعِ الْوَرَی بَعْدَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَی» (2)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «سوگندی که فرشتگان میان خود دارند اینچنین است؛ سوگند خدایی را که علی مرتضی را پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر همه ی مردم برتری داد.»

فرشتگان برای گرفتن آبی که از دست علی علیه السلام ریخت سبقت می گرفتند.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (ره) أَنَّهُ قَالَ:

«کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فِی مَجْلِسِهِ وَ مَسْجِدِهِ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَهٌ مِنَ الْمُهَاجِرِینَ وَ الْأَنْصَارِ إِذْ نَزَلَ عَلَیْهِ جَبْرَئِیلُ علیه السلام وَ قَالَ لَهُ:

1- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 452 ضمن ح 297، بحارالأنوار ج 9 ص 286.

2- همان.

يَا مُحَمَّدُ! الْحَقُّ يُقْرِئُکَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَکَ«أَحْضِرْ عَلِيّاً وَ اجْعَلْ وَجْهَکَ مُقَابِلَ وَجْهِهِ»

ثُمَّ عَرَجَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام إِلَى السَّمَاءِ

فَدَعَا النَّبِيُّ عَلِيّاً فَأَحْضَرُوهُ وَ جَعَلَ وَجْهَهُ مُقَابِلَ وَجْهِهِ فَنَزَلَ جَبْرَئِيلُ ثَانِياً وَ مَعَهُ طَبَقٌ فِيهِ رُطَبٌ فَوَضَعَهُ بَيْنَهُمَا ثُمَّ قَالَ:

كُلَا فَأَكَلَا ثُمَّ أَحْضَرَ طَشْتاً وَ إِبْرِيقاً وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْکَ وَ آلِکَ قَدْ أَمَرَکَ اللَّهُ أَنْ تَصُبَّ الْمَاءَ عَلَى يَدَىْ عَلِيِّ بْنِ أَبِى طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ لَهُ السَّمْعَ وَ الطَّاعَةَ لِلَّهِ وَ لِمَا أَمَرَنِى بِهِ رَبِّى ثُمَّ أَخَذَ الْإِبْرِيقَ وَ قَامَ يَصُبُّ الْمَاءَ عَلَى يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِى طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ عليه السلام:

يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنَا أَوْلَى أَنْ أَصُبَّ الْمَاءَ عَلَى يَدِکَ فَقَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى أَمَرَنِى بِذَلِکَ وَ كَانَ كُلَّمَا صَبَّ الْمَاءَ عَلَى يَدِ عَلِيٍّ لَمْ يَقَعْ مِنْهُ قَطْرَةٌ فِى الطَّشْتِ فَقَالَ عَلِيٌّ:

يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّى لَمْ أَرَ شَيْئاً مِنَ الْمَاءِ يَقَعُ فِى الطَّشْتِ؟!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم: يَا عَلِيُّ! إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَتَسَابَقُونَ عَلَى أَخْذِ الْمَاءِ الَّذِى يَقَعُ مِنْ يَدِکَ فَيَغْسِلُونَ بِهِ وُجُوهَهُمْ يَتَبَرَّكُونَ بِهِ» (1)

ابن عباس نقل می کند که رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم در مسجد حضور داشتند و جمعی از مهاجرین و انصار نزد آن حضرت بودند، ناگهان جبرئیل علیه السلام بر آن حضرت نازل شد و عرض کرد: ای محمد! حق تعالی بر تو سلام می رساند و می فرماید علی را

1- بحارالأنوار ج 39 ص 121، بیروت، نشرالوفاء.

حاضر کن و او را روبروی خودت بنشان. جبرئیل این فرمان الهی را رساند و به آسمان برگشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم علی علیه السلام را حاضر کرد و او را روبروی خود نشانید. جبرئیل دوباره نازل شده و به همراه خود طَبَقی از خرما آورد و بین آن دو بزرگوار قرار داد و عرض کرد: از آن میل کنید و آنها خوردند سپس تشت و آفتابه ی آبی آورد و عرض کرد:

ای رسول خدا! پروردگارت فرموده است که تو آب را روی دستهای علی بن ابیطالب علیه السلام بریزی.

فرمود: سَمْعاً وَ طَاعَةً، آنچه را خداوند امر کند اطاعت می کنم، آنگاه آفتابه را برداشت و برخاست که آب روی دستهای علی علیه السلام بریزد. علی علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا! من سزاوارترم که آب روی دستهای مبارک شما بریزم. فرمود: ای علی! خداوند چنین فرمان داده است و به من چنین مأموریتی داده است؛ و آب را روی دستهای علی علیه السلام که می ریخت قطره ای از آن در تشت نمی ریخت. علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! آبها را نمی بینم که در میان تشت بریزد. فرمود: «ای علی! فرشتگان از یکدیگر سبقت می گیرند در اینکه آبی که از دستهای تو می ریزد بگیرند و به عنوان تبرک چهره ی خود را با آن شستشو دهند.»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معراج از فضائل علی علیه السلام به وَجد می آید.

عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ لَمَّا أُسْرِیَ بِرَسُولِ اللَّهِ إِلَی السَّمَاءِ وَ أَوْحَی اللَّهُ إِلَیْهِ فِی عَلِیٍّ مَا أَوْحَی مِنْ شَرَفِهِ وَ مِنْ عِظَمِهِ عِنْدَ اللَّهِ وَ رُدَّ إِلَی الْبَیْتِ الْمَعْمُورِ وَ جَمَعَ لَهُ النَّبِیِّینَ وَ صَلَّوْا خَلْفَهُ عَرَضَ فِی نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ عِظَمِ مَا أُوحِیَ إِلَیْهِ فِی عَلِیٍّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فَإِنْ كُنْتَ فِی شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنا

إِلَیْکَ فَسْئَلِ الَّذِینَ یَقْرَؤُنَ الْکِتابَ مِنْ قَبْلِکَ یَعْنِی الْأَنْبِیَاءَ- فَقَدْ أَنْزَلْنَا عَلَیْهِمْ فِی کُتُبِهِمْ مِنْ فَضْلِهِ مَا أَنْزَلْنَا فِی کِتَابِکَ لَقَدْ جاءَکَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ فَلا تَکُونَنَّ مِنَ المُمْتَرِینَ وَ لا تَکُونَنَّ مِنَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیاتِ اللَّهِ فَتَکُونَ مِنَ الْخاسِرِینَ فَقَالَ الصَّادِقُ علیه السلام فَوَ اللَّهِ مَا شَکَّ وَ مَا سَأَلَ

از ابن عباس از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شب معراج به سوی آسمانها برده شدند، خداوند از شرافت و عظمت حضرت علی علیه السلام برای پیامبر تعریف کرد، تا اینکه پیامبر به بیت المعمور رفتند و تمام پیامبران پشت سر او نماز گزاردند.

بعد از نماز، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آنچه خداوند درباره ی علی علیه السلام و مقام و منزلت او برایش صحبت کرده بود به شگفت آمد و (در فکر فرو رفت) و در همین حال بود که وحی الهی نازل شد که: «فَإِنْ کُنْتَ فِی شَکٍّ مِمَّا أَنْزَلْنا إِلَیْکَ فَسْئَلِ الَّذِینَ یَقْرَؤُنَ الْکِتابَ مِنْ قَبْلِکَ»(1)

ای پیامبر ما، اگر در آنچه بر تو نازل کردیم و حرفش را زدیم شک داری، پس از کسانی که قبل از تو کتاب خدا را خوانده اند سؤال کن که آیا چنین است یا نه »؛

یعنی از پیامبران پشت سر خود سؤال کن، که آنچه در کتب ایشان از فضائل علی علیه السلام بیان شد، برای تو هم همان را بیان کردیم.

«لَقَدْ جاءَکَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ فَلا تَکُونَنَّ مِنَ المُمْتَرِینَ وَ لا تَکُونَنَّ مِنَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیاتِ اللَّهِ فَتَکُونَ مِنَ الْخاسِرِینَ

1- یونس، آیه 94.

همانا حق از جانب پروردگارت آمد. پس در حقّانیت او هیچگاه شک مکن و از کسانی مباش که آیات الهی را تکذیب کردند (که اگر چنین کنی) از زیانکاران عالم خواهی شد.»

سخن که بدینجا رسید امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم، نه پیامبر در فضائل علی علیه السلام شک کرد و نه از انبیاء سؤال نمود؛ (بلکه از فضائل علی علیه السلام به شور و شعف درآمده بود و تمام وجود او را خوشحالی محض فرا گرفته بود.) (1)

پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِی وَ سَلَم در معراج ، خروسی دید که صدا می زد علی علیه السلام امیر المومنین است.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِی وَ سَلَم رَأَیْتُ لَیْلَهَ أُسْرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ الرَّابِعَهِ دِیکاً بَدَنُهُ دُرَّهٌ بَیْضَاءُ وَ عَیْنَاهُ یَاقُوتَتَانِ حَمْرَاوَانِ وَ رِجْلَاهُ مِنَ الزَّبَرْجَدِ الْأَخْضَرِ وَ هُوَ یُنَادِی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلِیٌّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَلِیُّ اللهِ فَاطِمَهُ وَ وَلَدُهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ صَفْوَهُ اللهِ یَا غَافِلِینَ اذْکُرُوا اللهَ عَلَی مُبْغِضِهِمْ لَعْنَهُ اللهِ»

ابن عباس می گوید:پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِی وَ سَلَم فرمودند:شبی که به معراج رفته بودم

خروسی را دیدم که بدنش دُرّ سفید و دو چشمش از یاقوت قرمز و دو پایش از زبرجد سبز بود و این خروس صدا می زد:

«هیچ خدایی جز الله نیست،محمد صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِی وَ سَلَم فرستاده ی خداست،علی بن ابیطالب علیه السلام امیر المومنین،دوست صمیمی خداست،فاطمه علیها السلام و دو فرزندش حسن و

1- بحارالأنوار ج 36 ص 94، نورالثقلین ج 2 ص 32 ح 128.

حسین علیه السلام برگزیدگان خدا هستند.ای غافلین،یاد خدا کنید که بر دشمنان اینان لعنت خداست (و با لعنت بر دشمنان اینان،به یاد خدا باشید.)»

عروج علی علیه السلام به آسمان برای حکم بین ملائکه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: أَتَیْتُ فَاطِمَهَ سلام الله علیها فَقُلتُ لَها: أَیْنَ بَعْلُکِ؟

فَقالت عَرَجَ بِهِ جبرئیلُ علیه السلام إِلَی السَّمَاءِ.

فقلتُ فی ماذا؟

فقالت: إنَّ نَفَراً مِنَ المَلائِکهِ تَشاجَروا فی شیءٍ فَسَألوا حَکماً مِنَ الادَمیینَ فَاَوْحَی الله تعالی إلیهم أنْ تَخَیروا، فَاخْتَارُوا علی بن ابیطالب علیه السلام .

عبدالله بن مسعود گفته: خدمت حضرت زهرا سلام الله علیها رسیدم و عرض کردم شوهرت کجاست؟ فرمود: جبرئیل او را به آسمان برده است. عرض کردم در چه رابطه ای؟ فرمود: گروهی از ملائکه در مسأله ای مشاجره نموده خواستار حَکَمی از میان آدمیان شدند. سپس خداوند تعالی به آنها وحی فرمود که حَکم را انتخاب نمایید و ملائکه علی بن ابیطالب علیه السلام را برگزیدند. (1)

چشم بینای خداوند در میان بندگان، علی علیه السلام است.

رَوَی الاصبَغُ بنُ نباتَهَ أنَّ امیرالمؤمنین علیه السلام کانَ یجْلِسُ للنّاسِ فی نَجَفِ الکوفَهِ، فقالَ یوماً لِمَنْ حَوْلَهُ مَنْ یری ما أری؟

فَقَالُوا: وَ مَا تَرَی یَا عَیْنَ اللَّهِ النَّاظِرَهِ فِی عِبَادِهِ؟ فَقَالَ: أَرَی بَعِیراً یَحْمِلُ جِنَازَهً وَ رَجُلًا یَسُوقُهُ وَ رَجُلًا یَقُودُهُ وَ سَیَأْتِیکُمْ بَعْدَ ثَلَاثٍ.

1- علی و المناقب، عبدالعلی، گویا ص 210 به نقل از ینابیع المعاجز و اصول الدلائل ص 77.

فَلَمَّا کَانَ الْیَوْمُ الثَّالِثُ قَدِمَ الْبَعِیرُ وَ الْجِنَازَهُ مَشْدُودَهٌ عَلَیْهِ وَ رَجُلَانِ مَعَهُ فَسَلَّمَا عَلَی الْجَمَاعَهِ فَقَالَ لَهُمَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام بَعْدَ أَنْ حَیَّاهُمْ مَنْ أَنْتُمْ وَ مِنْ أَیْنَ أَقْبَلْتُمْ وَ مَنْ هَذِهِ الْجِنَازَهُ وَ لِمَا ذَا قَدِمْتُمْ؟

اَصْبَغ بن نَباتَه روایت کرد که امیرالمؤمنین علیه السلام در بلندیهای کوفه برای برآوردن حاجات مردم می نشست. روزی به افرادی که در اطراف آن جناب بودند فرمود: کدامیک از شما آنچه را که من می بینم می بیند؟ گفتند: ای چشم بینای خدا در میان بندگانش! چه چیزی را می بینی؟

فرمود: شتری را می بینم که جنازه ای را حمل می کند و مردی را می بینم که شتر را می راند و مرد دیگری زمام آن را می کشد و به زودی بعد از گذشت سه روز بر شما وارد می شوند. وقتی روز سوم فرا رسید آن دو مرد به همراه شتر در حالی که جنازه ای بر روی آن بسته شده بود، وارد شدند و بر جماعت سلام کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از احوالپرسی از آنها پرسید: شما کی هستید و از کجا می آیید و این جنازه ی کیست و برای چه آمده اید؟

فَقَالُوا: نَحْنُ مِنَ الْیَمَنِ وَ أَمَّا الْمَیِّتُ فَأَبُونَا وَ إِنَّهُ عِنْدَ الْمَوْتِ أَوْصَی إِلَیْنَا فَقَالَ إِذَا غَسَّلْتُمُونِی وَ کَفَّنْتُمُونِی وَ صَلَّیْتُمْ عَلَیَّ فَاحْمِلُونِی عَلَی بَعِیرِی هَذَا إِلَی الْعِرَاقِ وَ ادْفِنُونِی هُنَاکَ بِنَجَفِ الْکُوفَهِ فَقَالَ لَهُمَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ هَلْ سَأَلْتُمَاهُ لِمَا ذَا فَقَالا أَجَلْ قَدْ سَأَلْنَاهُ فَقَالَ یُدْفَنُ هُنَاکَ رَجُلٌ لَوْ شَفَعَ فی یوم العرض فِی أَهْلِ الْمَوْقِفِ لَشُفِّعَ فَقَامَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ قَالَ صَدَقَ أَنَا وَ اللَّهِ ذَلِکَ الرَّجُلُ.

عرضه داشتند ما از اهل یمن هستیم. اما این میت پدر ماست و هنگام مرگ به ما وصیت کرد و گفت: وقتی که مرا غسل دادید و کفن نمودید و بر من نماز

خواندید، مرا به این شترم سوار کنید و به جانب عراق ببرید و در بلندیهای کوفه دفن نمایید. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آیا از او سؤال کردید برای چه چنین کنیم؟ گفتند: آری از او پرسیدیم و او پاسخ داد که در آنجا مردی دفن می شود که اگر در روز قیامت تمام اهل محشر را شفاعت نماید به شفاعتش پذیرفته می شود. امیرالمؤمنین علیه السلام برخاست و فرمود: راست گفته، به خدا قسم آن مرد من هستم.(1)

عائب بر امیرالمومنین علیه السلام مشرک به خداست

حَدَّثَنَا سَعِيدٌ الْأَعْرَجُ قَالَ دَخَلْتُ أَنَا وَ سُلَيْمَانُ بْنُ خَالِدٍ عَلَى أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَابْتَدَأَنَا فَقَالَ:

يَا سُلَيْمَانُ مَا جَاءَ عَنْ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يُؤْخَذُ بِهِ وَ مَا نَهَى عَنْهُ يُنْتَهَى عَنْهُ جَرَى لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مَا جَرَى لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله علیه و آله و سلم وَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله علیه و آله و سلم الْفَضْلُ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ الْمُعَيِّبُ عَلَى أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِی شَیْ ءٍ مِنْ أَحْكَامِهِ كَالْمُعَيِّبِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَلَى رَسُولِهِ صلى الله علیه و آله و سلم وَ الرَّادُّ عَلَيْهِ فِی صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ عَلَى حَدِّ الشِّرْكِ بِاللَّهِ كَانَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ صلوات الله علیه بَابَ اللَّهِ الَّذِی لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلَهُ الَّذِی مَنْ سَلَكَ بِغَيْرِهِ هَلَكَ وَ بِذَلِكَ جَرَتِ الْأَئِمَّةُ علیهم السلام وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَ الْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى.

1- المناقب، عبدالعلی گویا ص 210 و 211.

سعید اعرج گوید: من و سلیمان بن خالد، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم، حضرت آغاز به سخن نمود و فرمود:

ای سلیمان، هر امری که از امیرالمومنین علیه السلام رسید، باید اخذ شود و از هر چه نهی فرموده باید ترک شود. برای او همان فضیلتی است که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برتر از تمام مخلوقات خداست. کسی که نسبت به چیزی از احکام او عیب گیرد، مانند کسی است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عیب گرفته است و هر که او را در امری، کوچک یا بزرگ، رد کند در مرز شرک به خداست. امیرالمومنین علیه السلام دری است که از غیر آن به خدا نتوان رسید و راه به سوی خداست که هر که جز آن پوید، هلاک شود و همچنین است مقام ائمه علیهم السلام یکی پس از دیگری، خدا ایشان را ارکان زمین قرارداد تا اهلش را نجنباند و حجت رسای خویش نمود تا بر کسانی که روی زمین و زیر خاک هستند.

خدایا تا چهره ی علی علیه السلام را به من نشان نداده ای مرا نمیران

(... ابو جراح گفت: نقل نمود به من جابر فرزند صبیح گفت: حدیث کرد به من ام سرجیل و گفت: نقل کرد به من ام عطیه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم لشکری را به جنگی فرستاد و علی ابن ابیطالب علیه السلام در میان آنان بود، پس من شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعا کرده و دستش را بلند کرده و می فرمود: خدایا تا چهره ی علی علیه السلام را به من نشان نداده ای مرا نمیران. (1)

حدیث کوثر

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِکٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَقُولُ لَمَّا أُسْرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ السَّابِعَهِ قَالَ لِی جَبْرَئِیلُ تَقَدَّمْ یَا مُحَمَّدُ أَمَامَکَ وَ أَرَانِی الْکَوْثَرَ وَ قَالَ یَا

1- مناقب الامام علی بن ابیطالب علیه السلام ابن مغازلی، ترجمه سید محمد جواد، مرعشی نجفی ص 130.

مُحَمَّدُ هَذَا الْكَوْثَرُ لَکَ دُونَ النَّبِيِّينَ فَرَأَيْتُ عَلَيْهِ قُصُوراً كَثِيرَةً مِنَ اللُّؤْلُؤِ وَ الْيَاقُوتِ وَ الدُّرِّ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ مَسَاكِنُکَ وَ مَسَاكِنُ وَزِيرِکَ وَ وَصِيِّکَ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ ذُرِّيَّتِهِ الْأَبْرَارِ قَالَ فَضَرَبْتُ بِيَدِی إِلَى بَلَاطِهِ فَشَمِمْتُهُ فَإِذَا هُوَ مِسْکٌ وَ إِذَا أَنَا بِالْقُصُورِ لَبِنَةٌ ذَهَبٌ وَ لَبِنَةٌ فِضَّه.

اَنَس بن مالک می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: شب معراج در مکانی از آسمان هفتم جبرئیل به من گفت: ای محمد به جلو برو و در همین حال کوثر را به من نشان داد و گفت: ای محمد؛ این کوثر در میان تمام انبیاء فقط اختصاص به تو دارد. و من در آن قصرهای زیادی از لؤلؤ و یاقوت و دُر دیدم.

جبرئیل به من گفت: یا محمد؛ این قصرها جایگاه تو و جایگاه جانشین و وزیر تو علی بن ابیطالب علیه السلام و ذریه ی پاک و نیکوکار او می باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمودند: پس من دستم را بر سنگی از آن زدم و آن را بو کردم و بوی مشک دستم را فراگرفته بود و دیدم که قصرهای کوثر از طلا و نقره ساخته شده بود. (1)

حدیث اصحاب کهف و علی علیه السلام

مَا رُوِیَ عَنْ شَرِيکِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ... أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم بَعَثَ عَلِيّاً علیه السلام وَ أَبَابَكْرٍ وَ عُمَرَ إِلَى أَصْحَابِ الْكَهْفِ فَقَالَ ائْتُوهُمْ فَأَبْلِغُوهُمْ مِنِّی السَّلَامَ.

فَلَمَّا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِهِ قَالُوا: «لِعَلِيٍّ تَدْرِی أَيْنَ هُمْ.»

فَقَالَ: «مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَبْعَثُنَا إِلَى مَكَانٍ إِلَّا هَدَانَا اللَّهُ لَهُ »

1- بحارالانوار، ج 8 ص 26، تأویل الآیات الظاهره ص 821 ح 3.

فَلَمَّا أَوْقَفَهُمْ عَلَى بَابِ الْكَهْفِ قَالَ: «يَا أَبَا بَكْرٍ سَلِّمْ فَإِنَّکَ أَسَنُّنَا.» فَسَلَّمَ فَلَمْ يُجَبْ. ثُمَّ قَالَ: «يَا أَبَا حَفْصٍ سَلِّمْ فَإِنَّکَ أَسَنُّ مِنِّی.»؛ فَسَلَّمَ فَلَمْ يُجَبْ. قَالَ: فَسَلَّمَ عَلِيُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فَرَدُّوا السَّلَامَ وَ حَيَّوْهُ وَ أَبْلَغَهُمْ سَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَرَدُّوا عَلَيْهِ.

فَقَالَ أَبُوبَكْرٍ: «سَلْ هُمْ مَا لَهُمْ سَلَّمْنَا عَلَيْهِمْ فَلَمْ يُسَلِّمُوا عَلَيْنَا.» قَالَ: «سَلْ هُمْ أَنْتَ.» فَسَأَلَهُمْ فَلَمْ يَتَكَلَّمُوا ثُمَّ سَأَلَهُمْ عُمَرُ فَلَمْ يُكَلِّمُوهُ، فَقَالا: «يَا أَبَا الْحَسَنِ سَلْ هُمْ أَنْتَ.»

قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام: «إِنَّ صَاحِبَیَّ هَذَيْنِ سَأَلَانِی أَنْ أَسْأَلَكُمْ لِمَ رَدَدْتُمْ عَلَیَّ وَ لَمْ تَرُدُّوا عَلَيْهِمَا؟»

قَالُوا: «لِأَنَّا لَا نُكَلِّمُ إِلَّا نَبِيّاً أَوْ وَصِیَّ نَبِیٍّ.»

شریک بن عبد اللّه می گوید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام و ابو بکر و عمر را به سوی اصحاب کهف فرستاد و فرمود: سلام مرا به آنها برسانید. وقتی که از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیرون رفتند، آن دو به علی علیه السلام گفتند: جای آنها را می شناسی؟

حضرت فرمود: «پیامبر ما را جایی نمی فرستد. مگر اینکه خدا ما را به آنجا هدایت کند!» هنگامی که بر در غار رسیدند، علی علیه السلام به ابوبکر گفت: «تو سلام کن چون تو مُسِن تر از ما هستی».

او سلام کرد ولی به او جواب ندادند.

امام علیه السلام به عمر گفت: «ای ابا حَفْص تو سلام کن، چون سن تو نیز از سن من زیادتر است».

عمر سلام کرد ولی به او نیز جواب ندادند.

ص:64

اما وقتی که علی علیه السلام سلام داد. جواب او را دادند و حضرت سلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به آنها رساند و آنها نیز بر پیامبر سلام رساندند.

ابوبکر گفت: از اینها بپرس چرا جواب ما را ندادند ولی جواب تو را دادند؟

حضرت فرمود: خودت بپرس. ابوبکر پرسید، ولی با او سخن نگفتند: عمر نیز پرسید باز هم حرف نزدند. به حضرت گفتند: ای ابا الحسن! تو سؤال کن.

حضرت فرمود: رفقای من می گویند: چرا جواب آنها را ندادید، ولی جواب مرا دادید. گفتند: «ما فقط با پیامبر و وصی او سخن می گوییم.» (1)

حدیث مصافحه علی علیه السلام

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ صَافَحَ عَلِيّاً علیه السلام فَكَأَنَّمَا صَافَحَنِی وَ مَنْ صَافَحَنِی فَكَأَنَّمَا صَافَحَ أَرْكَانَ الْعَرْشِ وَ مَنْ عَانَقَهُ فَكَأَنَّمَا عَانَقَنِی وَ مَنْ عَانَقَنِی فَكَأَنَّمَا عَانَقَ الْأَنْبِيَاءَ كُلَّهُمْ وَ مَنْ صَافَحَ مُحِبّاً لِعَلِيٍّ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ وَ أَدْخَلَهُ الجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (2)

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس با علی علیه السلام مصافحه کند، مانند آن است که با من مصافحه نموده و هر کس با من مصافحه نماید، مانند آن است که با ارکان عرش مصافحه کرده و هر کس با علی علیه السلام معانقه کند، مانند آن است که با من معانقه کرده و هر کس با من معانقه کند مانند آن است که با همه ی انبیاء علیهم السلام معانقه کرده باشد و هر کس با محبت، علی علیه السلام را مصافحه نماید، خداوند گناهان او را ببخشد و او را بدون حساب داخل بهشت کند.

1- بحار الأنوار ج 39 ص 136 ح 3.
2- بحارالانوار، ج 27 ص 115 ح 90 – غایه المرام 583 ح 47.

شوق درخت طوبی به حضرت علی علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام از اجداد طاهرینشان علیهم السلام نقل می کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در شب معراج در آسمان ششم درختی دیدم که زیباتر و بزرگتر از آن درخت را تا به حال ندیده بودم.

پس به جبرئیل گفتم: ای دوست من! - جبرئیل - این درخت چیست؟ گفت: این درخت طوبی است ای حبیب من. گفتم: این صدای زیبا و بلند که می آید چیست؟ گفت: این صدای درخت طوبی است. گفتم چه می گوید: گفت: مرتب می گوید: «وَا شَوْقَاهْ إِلَیْکَ یَا عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ» ای علی چقدر مشتاق تو هستم. (1)

علی علیه السلام وارث پیراهن شب معراج

در روایتی است که امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین لحظه های زندگی خود حضرت علی علیه السلام را وارث اموال خود معرفی نمودند و از جمله آن اموال پیراهنی بود که پیامبر با آن به معراج رفته بودند: «وَ الْقَمِیصِ الَّذِی أُسْرِیَ بِهِ فِیهِ»(2)

شوق درخت سدره المنتهی به علی علیه السلام

عَنْ أَبِی أَیُّوبَ الْأَنْصَارِیِّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم لَمَّا أُسْرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ وَ انْتَهَیْتُ إِلَی سِدْرَهِ الْمُنْتَهَی شَمِمْتُ وَ هَبَّتْ مِنْهَا رِیحُ نَبِقِهَا فَقُلْتُ لِجَبْرَئِیلَ: مَا هَذَا؟ فَقَالَ: هَذِهِ سِدْرَهُ الْمُنْتَهَی اشْتَاقَتْ إِلَی ابْنِ عَمِّکَ حِینَ

1- بحار ج 8 ص 150.
2- معراج پیامبر (، علیرضا زکی زاده به نقل از عقائد الاسلامیه ص 129 - اصول کافی ج 1 ص 236.

نَظَرَتْ إِلَیْکَ فَسَمِعْتُ مُنَادِیاً یُنَادِی مِنْ عِنْدِ رَبِّی مُحَمَّدٌ خَیْرُ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ خَیْرُ الْأَوْلِیَاءِ عَلَیْهِمُ الصَّلَاهُ وَ السَّلَامُ. (1)

ابوایوب انصاری (علیه الرحمه) نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: چون شب معراج به آسمانها برده شدم، در سدره المنتهی نسیم و بوی خوشی احساس کردم. به جبرئیل گفتم: این نسیم و بوی خوش چیست؟ گفت: این سدره المنتهی است موقعی که به تو نگاه کرد مشتاق پسر عمویت علی بن ابیطالب علیه السلام شد در این هنگام به سوی تو نگاه کرد پس شنیدم که منادی ندا می دهد که محمد بهترین انبیاء و امیرالمومنین بهترین اولیاء است.

وسعت قلب علی علیه السلام

عَنْ أَبِی هُرَیْرَهَ قَالَ:

کُنْتُ عِنْدَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم إِذَا أَقْبَلَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم: «یا أباهُرَیرَهَ! أ تَدْرِی مَنْ هَذَا؟» قُلْتُ نَعَمْ یا رَسُولَ اللهِ هَذَا عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم هَذَا الْبَحْرُ الزَّاخِرُ هَذَا الشَّمْسُ الطَّالِعَهُ أَسْخَی مِنَ الْفُرَاتِ کَفّاً وَ أَوْسَعُ مِنَ الدُّنْیَا قَلْباً فَمَنْ أَبْغَضَهُ فَعَلَیْهِ لَعْنَهُ اللَّه(2)

ابوهریره می گوید: در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای أباهریره! آیا می دانی این کیست؟ عرضه داشتم: آری ای رسول خدا! این علی بن ابیطالب است.

1- بحار ج 36 ص 146.
2- مائه منقبه، ابن شاذان ص 33، فضلیت دوازدهم، بحارالانوار ج 27 ص 227 ح 29.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این است دریای مواج، این است خورشید فروزان، دست با سخاوت او بخشنده تر از فرات، قلب او وسیع تر از دنیاست؛ پس هر که بغض و کینه ی او را در دل داشته باشد لعنت خدا بر او باد.

هر کس ولایت علی علیه السلام را داشته باشد به کمال می رسد

عن ابن عباس قالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

عَلی علیه السلام مِنّی بمنزِلَهِ دَمی مِن بَدَنی من تَوَلاّه رَشَدَ وَ مَنْ أحَبَّهُ نَهَجَ و مَنْ تَبِعَهُ نجا ألا و إنَّ عَلیاً رابعُ الأربَعَهَ فی الفِردَوْسِ: أَنَا وَ هُوَ و الْحَسَنُ و الحُسَینُ» (1)

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علی علیه السلام نسبت به من، به منزله ی خون من در بدنم است، هر کس ولایت او را داشته باشد، رشد می کند (به کمال می رسد) و هر کس او را دوست داشته باشد، راهش روشن است و در صراط مستقیم است و هر کس از او تبعیت کند نجات یابد آگاه باشید! علی علیه السلام چهارمین نفر از چهار نفر (ممتاز) اهل بهشت می باشد (آن چهار نفر عبارتند از:) من و علی علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام .

حدیث السّطل

عن طاووس، عن ابن عباس، قال

صلّی بِنا رسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم صَلاهَ العَصرِ، ثُم قامَ عَلی قَدَمَیهِ، فَقالَ: «مَنْ یحِبُنی و یحِبُّ أهلَ بیتی فَلیتّبِعنْی» فاتبعناهُ بأَجْمعَنا حَتی أتَی مَنزِلَ فاطمهَ سلام الله علیها فَقَرَعَ

1- مائه منقبه، ابن شاذان ص 92 به نقل از غایه المرام ص 207 ح 11.

الْبابَ قَرْعاً خَفيفاً فَخَرجَ إليهِ عَلى ابن ابيطالب علیه السلام وَ عليهِ شَملَةٌ وَ يدَهُ مُلَطَّخَةٌ بالطينِ، فقالَ لَهُ «يا أَبَاالحَسَنِ! حَدِّثِ الناسَ بما رَأيتَ أمْسِ» فقالَ عَلى علیه السلام: «نَعمْ فِداک أبی و أمِّ يا رَسُولَ الله! بَينَما انَا فی وَقْتِ صَلاهِ الظّهر أرَدْتُ الطُّهُورَ، فَلَم يكنْ عِندی الماءُ، فَوَجَّهْتُ وَلَدَی الحَسَنَ و الحُسَينَ فی طَلَبِ الماءِ فَأَبْطَيا عَلَى فإذا أنا بِهاتِفٍ يهتِفُ:

يا أباالحَسَنِ! أقبِل عَلى يمنيک، فالتَفَتُّ فَإذا أنَا بِقَدَس مِنْ ذَهَبٍ مُعَلَّقٍ، فيه ماءٌ أشدُّ بَياضاً مِنَ الثَّلْجِ و أحْلی مِنَ العَسَلِ فَوَجدتُ فيهِ رائِحَهُ الوَرْدِ فَتَوَضَّاتُ منه و شِرَبْتُ جُرعُاتٍ ثُمَّ قَطَّرْتُ عَلی رَأسی قَطْرَةً وَجَدتُ بَرْدَها عَلى فُؤادی».

فقال رَسُولُ الله صلی الله علیه و آله و سلم: «هَلْ تَدْری مِنَ أينَ ذلک الْقَدَسَ؟» قالَ «الله تعالی و رَسُولُهُ أعْلَمُ» قالَ: اَلْقَدَسُ مِنْ أقداسِ الجَنّهِ و الماءُ مِنْ تَحْتِ شَجَرَهِ طُوبی أو قالَ مِنْ نَهِرالكوثَرِ و أمّا القَطْرُهُ فَمِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ» ثُمَّ ضَمَّهُ رَسُولُ الله صلی الله علیه و آله و سلم الی صَدْرِهِ و قَبَّلَ ما بَين عَينيهِ ثُمَّ قالَ حبيبی مَنْ كانَ خادِمُهُ بالأمْسِ جبرئيلُ علیه السلام فَمَحَلُّهُ و قَدْرُهُ عِنْدَاللهِ عظيمٌ» (1)

ابن عباس می گوید:

نماز عصر را پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواندیم، آنگاه پس از نماز روی پای مبارک ایستادند و فرمودند: هر کس من و اهل بیت مرا دوست می دارد، با من بیاید. ما همگی پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به راه افتادیم تا به منزل فاطمه سلام الله علیها

1- مدینه المعاجز، 96 ح 245، مناقب علی بن ابیطالب، ابن مغازلی ص 94 و 95.

رسیدیم آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آهسته در زدند، پس علی بن ابیطالب علیه السلام آمدند، در حالی که عبا به دور خود پیچیده و دست ایشان گل آلود بود، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای اباالحسن! آنچه را روز گذشته دیده ای برای مردم تعریف کن.

علی علیه السلام عرض کرد: آری، پدر و مادرم فدای شما باد ای رسول خدا! دیروز هنگام نماز ظهر، خواستم وضو بگیریم، اما آب در خانه نبود پس فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام را به دنبال آب فرستادم، اما آنها دست خالی بازگشتند. ناگهان هاتفی ندا داد: ای اباالحسن! به طرف راست برو! پس به سمت راست نگاه کردم، سطل آبی میان زمین و آسمان معلق بود، در آن آبی از برف سفیدتر و از عسل شیرین تر بود که بویی همچون عطر گل داشت با آن آب وضو ساختم و چند جرعه نیز از آن آب آشامیدم، پس قطره آبی هم بر سرم ریختم، که خنکی آن در قلبم احساس نمودم. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آیا می دانی این سطل آب از کجا آمده بود؟ علی علیه السلام عرض کرد: خدا و رسولش داناتر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این سطل از سطل های بهشت و آب داخل آن از زیر درخت طوبی بود و اما آن قطره که (خنکی آن را در قلبت احساس نمودی) از زیر عرش الهی بود پس رسول خدا او را در آغوش گرفتند و سینه ی خود را به سینه ی او چسبانیدند و بین دو چشم او را بوسیدند و فرمودند:

حبیب من کسی است که جبرئیل علیه السلام دیروز خادمش بوده پس قدر و منزلت او نزد خداوند بسیار عظیم است.

حک شدن نام علی علیه السلام روی عقیق

سید رضی در مناقب مفاخر می گوید:

شیخ واعظ پدر مجد پسر رشاد از شیخ غزالی روایت کرده است:

وقتی مهاجرین خواستند از حَبَشَه به مدینه بازگردند، پادشاه حَبَشَه به آنها گفت:

من می خواهم هدیه ای برای پیامبرتان بفرستم، آن گاه چند دانه یاقوت و عقیق داخل کیسه ای گذاشت و به آنها داد، پس مهاجرین خداحافظی کردند و به مدینه بازگشتند و آن هدایا را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دادند، ایشان آن هدایا را بین اصحاب تقسیم کردند و هیچ چیزی برای خودشان نگذاشتند به جز یک دانه عقیق، سپس به امام علی علیه السلام رو کردند و فرمودند:

ای علی! برو نزد نقاش تا آنچه من دوست دارم یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را روی این عقیق حک کند.

علی علیه السلام هم نزد نقاش رفت و به او گفت: روی این عقیق آنچه را رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دوست دارد یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را و هر آنچه را که من دوست دارم یعنی «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» را حک کن.

نقاش نیز آن را به دستور امام علی علیه السلام روی عقیق حک کرد و امام علی علیه السلام آن را برداشتند و نزد پیامبر برگشتند و آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دادند، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عقیق را دیدند خیلی تعجب کردند و به امام علی علیه السلام فرمودند:

ای علی! آیا به تو نگفتم فقط یک سطر روی آن حک کند، پس چرا این سه سطر است؟

امام علی علیه السلام در جواب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند: قسم به آن خدایی که شما را بر حق برگزید، من فقط به نقاش گفتم دو سطر روی عقیق حک کند، آنچه را که شما دوست داشتید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و آنچه را که من دوست داشتم «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و من از سطر سوم هیچ خبر ندارم، پس در همان لحظه جبرئیل امین علیه السلام نازل شد و فرمود:

ای محمد! پروردگارت به تو سلام می رساند و ... می فرماید:

سلام مرا به علی علیه السلام برسان و ... ای محمد! تو به علی امر فرمودی آنچه را که دوست داشتی حک کند و علی علیه السلام نیز آنچه را که دوست داشت به نقاش امر فرمود و ما نیز آنچه را که دوست داشتیم امر فرمودیم؛ «عَلِیٌّ وَلِیُّ اللَّهِ». (1)

عقد اخوت پیامبر فقط با علی علیه السلام

احمد بن حنبل آورده است که عمر گفت:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مراسم اخوت و برادری را بین مسلمانان برقرار کرد و علی علیه السلام را ترک نمود تا کار به پایان رسید و برادری برای علی معرفی نشد. پس علی علیه السلام فرمود: یا رسول الله! مراسم اُخُوَّت را بین افراد مسلمان برقرار نمودی اما مرا ترک کردی! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از چه رو پنداری تو را ترک کردم؟ همانا تو را ترک نمودم برای خودم آنگاه فرمود:

«أَنْتَ أَخِی وَ أَنَا أَخُوکَ فَإِنْ ذَاکَرَکَ أَحَدٌ فَقُلْ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ لَا یَدَّعِیهَا بَعْدَکَ إِلَّا کَذَّاب

تو برادر منی و من برادر تو، پس اگر کسی دراین باره با تو سخن گفت، بگو من بنده خدا و برادر رسولش هستم، هرگز کسی بعد از من ادعای این مقام را نکند مگر کذاب دروغگو. (2)

حدیث نخله صیحانی

علامه عینی صنفی با ذکر سند نقل کرده است که ابوبکر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گویا هنگامی که ندایی از درخت خرمایی به گوش حضرتش رسید فرمود:

1- مدینه المعاجز ص 207.
2- همان ص 78.

أ تدرون ما قالت النخله؟ آیا می دانید نخله چه گفت؟

ما گفتیم: خدا و رسولش بدان آگاهتر باشند.

پیامبر فرمود: صاحت «هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ و وَصِیُّهُ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبِ» (1)

درخت نخله ی فریاد زد: این محمد، رسول خدا است و وصیش علی بن ابیطالب علیه السلام »

فسمّاها النبی صلی الله علیه و آله و سلم من تلک الصَّحْیهُ؛ «نَخْلَهُ الصَیحانی»

پس به همین علت (که آن نخل صیحه زد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را نخل صیحانی نامیدند.

حدیث جام آسمانی

در ارشاد القلوب دیملی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که:

رسول خدا در جای از مسجدش در مدینه نشست و گروهی از مهاجرین و انصار گردش بودند و حضرت امیرالمومنین هم در طرف راست و ابوبکر و عمر هم در طرف چپ پیامبر بودند ناگاه ابری بر او سایه افکند حضرت رسول فرمود ای اباالحسن! از طرف خداوند ارمغانی به ما داده شد بعد پیامبر دستش را به سوی ابر دراز کرد و نزدیک شد، به دست پیامبر از آن ابر جامی آشکار شد و به طوری می درخشید که چشمهای مسجدیان را خیره کرد آن جام را بوهای خوشی بود که عقل را از سر مردم می برد آن جام با زبان عربی تسبیح و تقدیس و تمجید خدای تعالی را می کرد تا اینکه در کف دست راست پیامبر قرار گرفت و می گفت:

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حَبِیبَ اللَّهِ وَ صَفْوَتَهُ، وَ رَسُولَهُ الْمُخْتَارَ مِنَ الْعَالَمِینَ وَ الْمُفَضَّلَ عَلَی أَهْلِ مُلْکِ اللَّهِ أَجْمَعِینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ وَ عَلَی وَصِیِّکَ

1- امام امیرالمومنین علیه السلام، مهدی فقیه ایمانی ص 40 به نقل از مناقب علی ص 15 ج 1.

خَیْرِ الْوَصِیِّینَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِینَ وَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ نُورِ الْمُسْتَنِیرِینَ وَ سِرَاجِ الْمُقْتَدِینَ وَ عَلَی زَوْجَتِهِ ابْنَتِکَ فَاطِمَهَ خَیْرِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ الزَّهْرَاءِ فِی الزَّاهِرِینَ الْبَتُولِ أُمِّ الْأَئِمَّهِ الرَّاشِدِینَ الْمَعْصُومِینَ وَ عَلَی سِبْطَیْکَ وَ نُورَیْکَ وَ رَیْحَانَتَیْکَ وَ قُرَّتَیْ عَیْنَیْکَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ فَسَمِعَ ذَلِکَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهم السلام وَ جَمِیعُ مَنْ حَضَرَ یَسْمَعُونَ مَا یَقُولُ الْجَامُ وَ یَغُضُّونَ أَبْصَارَهُمْ عَنْ تَلَأْلُؤِ نُورِهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ یُکْثِرُ مِنْ حَمْدِ اللَّهِ وَ وَ شُکْرِهِ

درود بر تو ای دوست خدا و برگزیده حق از جهانیان و برتری دارنده ی بر تمام بندگان خدا از اولین و آخرین و درود بر جانشین تو که بهترین جانشینان است. امام پرهیزکاران امیرالمومنین، نور کسانی که طلب نور می کنند، چراغ اقتدا کنندگان و درود بر همسر او دختر تو فاطمه بهترین زنان جهانیان زهرای بتول مادر پیشوایان هدایت کننده ی معصوم و پاکدامن و درود بر دو سبط تو، دو ریحانه ی تو نور چشمهای تو حسن و حسین.

رسول خدا و امیرالمومنین و حسن و حسین تمامشان شنیدند آنچه را که جام گفت تمام حاضران دیدگان را از درخشش جام بستند رسول خدا سپاس و شکر خدا فراوان کرد تا اینکه جام گفت: ای رسول خدا! خدا مرا به سوی تو و برادرت علی و دخترت فاطمه و حسن و حسین فرستاد.

ای رسول خدا! مرا به دست علی علیه السلام بده. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بگیر جام را ای اباالحسن که هدیه ی خداست به سوی تو، علی علیه السلام جام را گرفت و بوسید و بویید و گفت مرحبا به کرامت خدا برای رسول و آل رسول.

جام، محمد را ستایش و تبشیر کرد و پروردگار را تکبیر و تهلیل گفت سپس گفت ای رسول خدا! به علی بگو مرا به فاطمه و حسن و حسین بدهد چنان که خدای

عز و جل به من فرمان داده و رسول خدا فرمود: برخیز یا اباالحسن جام را در اختیار فاطمه و دو حبیب من حسن و حسین قرار ده.

علی حرکت کرد و جام را برداشت در حالی که نور جام از نور خورشید زیادتر بود، بوی خوش آن، خردها را زایل کرده بود تا آنکه علی بر فاطمه و حسن و حسین وارد شد جام را به آنان برگرداند همه تحیت گفتند و جام را بوسیدند، ذکر محمد و سپاس خدا فراوان گفتند بعد جام را به رسول خدا برگرداندند.

چون جام در دست رسول خدا قرار گرفت عمر بلند شد بر دو پا ایستاد و گفت ای رسول خدا چرا هر ارمغانی که از طرف خدا برای تو آورده می شود در اختیار علی و فاطمه و حسن و حسین قرار می دهی، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وای بر تو ای عمر چه چیز به تو جرأت داده آیا سخنان جام را نشنیدی که از من می خواست که او را به دیگران از اهل بیتم بدهم.

پس عمر گفت: رسول خدا اجازه می دهی من هم جام را بگیرم و ببوسم و ببویم فرمود: وای بر تو ای عمر، به خدا سوگند که این کار برای غیر از ما نیست نه تو و نه تمامی مردم.

عرض کرد: ای رسول خدا اجازه می فرمایید که دستی بر جام برسانم حضرت رسول فرمود چقدر اصرار می کنی؛ اگر توانستی دست به جام بزنی من محمد رسول خدا نیستم و این جام هم به حق از طرف خدا نیامده است.

عمر بلند شد و دست به طرف جام دراز کرد دستش به جام نرسید جام حرکت کرد و به طرف ابر بلند شد و می گفت ای رسول خدا با زائر این چنین رفتار می کنند؟

سپس رسول خدا فرمود: وای بر تو ای عمر چه چیز تو را بر خدا و رسولش جری کرد.

ای اباالحسن برخیز و دست به سوی او دراز کن، جام را بگیر و به او بگو خدا به تو فرمان داده که جام را به ما برگردانی تا به جام برسیم، جام را گرفت علی علیه السلام

به جام گفت رسول خدا می فرماید چه چیز خداوند به تو فرمان داده که آن را بگویی که تو فراموش کردی بگوئی.

جام گفت: بلی ای برادر رسول خدا، خداوند به من فرمان داده بگویم برای شما که خداوند مرا وقف کرده بر هر مرد مومن و مؤمنه ای از شیعیان شما و فرمان داده که هنگام مرگش حاضر شوم.

وسایل خاصّه رسول الله فقط به علی علیه السلام سپرده شد

در کتاب مَوَدَّات از امام باقر علیه السلام منقول است که فرمود:

«در بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سر مبارک حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در کنار امیرالمومنین علی علیه السلام بود و مهاجر و انصار نیز در منزل سید المرسلین مجتمع بودند و در آن هنگام پیامبر رو به سوی امیرالمومنین علیه السلام کرده، فرمود:

یا اخی، قبول می کنی وصیت مرا و به جا می آوری وعده های مرا؟

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: بلی یا رسول الله و پس گریه شدیدی نمود؛ چنانچه از کثرت رقت، بیهوش گردید. پس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای بلال! بیاور شمشیر و کلاه خود و زره و اسب و ناقه و سنگ پارچه ای که در ایام فاقه هنگام عبادت بر شکم می بستم.

بلال به فرموده ی پیامبر قیام نمود و هر آنچه را که حضرت بیان نمودند، عملی کرد، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا أخی و وصیی این اسباب خاصّه من به تو تعلق دارد، اینها را ببر به منزل خود که هیچ کس را بعد از من در این امور با تو مضایقه نباشد. امیرالمومنین علی علیه السلام آن وسایل را متبّرک بر سر و دیده مالیده در حضور مهاجر و انصار به خانه خود برد». (1)

1- مناقب مرتضوی، ص 203.

در اینجا دو نکته از زبان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان گردیده که اهل ادراک و تعقل باید روی آن اندیشه کنند؛ یکی آنکه حضرت امیرالمومنین را به أخی و وصی صدا می زدند تا همه ی مهاجران و انصار در آخرین لحظات نیز پی به وصایت علی علیه السلام برده دست از او بر ندارند و او را یاری نمایند و دیگر آنکه در این وصیت هیچ کدام از انصار و مهاجرین چنین منقبت و فضیلتی را دریافت نکردند که بتوانند آنچه را که پیامبر بدان سفارش کرده بود عملی نمایند جز علی علیه السلام و این از بالاترین فضیلت های امیرالمومنین علیه السلام است که عقول بسیاری از آن عاجز است و سخن دیگر آنکه امروزه وهابی ها به شیعه ایراد می گیرند که دلیل تبرک قبور ائمه معصومین شرک و کفر است و تبرک کردن بدعت گذاری شیعه بوده و چنین در تاریخ بیان نشده است! اما این حدیث پاسخی مستحکم برای آنهایی است که چنین تفکری را دارند زیرا که علی علیه السلام از افضلین صحابه پیامبر و در حقیقت از نظر ما جان هستی، وقتی وسایل و اسباب پیامبر را دریافت کردند برای عظمت و بزرگی صاحب آن (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) آن را به چشم مالیدند و بوسه زدند و گریه شدید سر دادند.

تنها علی علیه السلام بر شانه ی پیامبر بالا رفت

علی علیه السلام می گوید: با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفتیم تا به کعبه رسیدیم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر شانه های من بالا رفتند و حضرت را بر پا کردم. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ناتوانی من را احساس کردند فرمودند بنشین، نشستم پیامبر پایین آمدند و نشستند و فرمود بر شانه های من بایست پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برخاستند و من را بلند کرده گویی آن قدر بالا رفته بودم که اگر می خواستم به افق آسمان دست می یافتم پس بر فراز کعبه آمدم و سپس با دستهای خود بت های کوچک و بزرگ را که از جا بر کندم و چون از جا کنده شد و بر آن فائق آمدم پیامبر فرمود به منزل شتابان برویم.

آری این چه توان و قدرت است که بتواند بار ولایت علی علیه السلام را جز پیامبر متحمل شود و آنچه توانی است که بتواند بر دوش نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم جز علی علیه السلام بایستد.

علی علیه السلام احساس ناراحتی از سرما و گرما نمی کند

عن عبدالرحمان بن أبی لیلی:

أنّ علیّا خرج علینا فی حرّ شدید، و علیه ثیاب الشتاء، و خرج علینا فی الشتاء و علیه ثیاب الصیف، ثمّ دعا بماء فشرب، ثمّ مسح العرق عن جبهته. فلمّا رجع إلی أبیه قال: یا أبه؛ أ رأیت ما صنع أمیر المؤمنین؟ خرج إلینا فی الشتاء و علیه ثیاب الصیف، و خرج علینا فی الصیف و علیه ثیاب الشتاء! فقال أبو لیلی: هل فطنت؟ و أخذ بید ابنه عبد الرحمان، فأتی علیّا فقال له الّذی صنع فقال له علیّ:

«إنّ النبیّ صلّی اللّه علیه و آله و سلم کان بعث إلیّ و أنا أرمد، شدید الرمد، فبزق فی عینی، ثمّ قال: افتح عینیک، ففتحتهما فما اشتکیتهما حتّی الساعه، و دعا لی فقال: اللهمّ أذهب عنه الحرّ و البرد. فما وجدت حرّا و لا بردا حتّی یومی هذا». (1)

عبدالرحمان می گوید: علی علیه السلام در گرمای شدید، لباس زمستانی و در سرما با لباس تابستانی نزد ما می آمد و در آن هوای سرد آب می طلبید و می نوشید و عرق از پیشانی خود پاک می کرد. عبدالرحمان به پدرش ابولیلی می گوید: پدرم، آیا

1- خصائص امیرالمؤمنین، احمد بن شعیب نسائی، نشر بوستان کتاب ص 156.

امیرالمؤمنین را دیدی؟ وی در زمستان با لباس تابستانی و در تابستان با لباس زمستانی نزد ما می آید. ابولیلی به او گفت: آیا به راز این نکته پی بردی؟ و دست پسرش عبدالرحمان را گرفت و نزد علی علیه السلام آمد و به ایشان ماجرا را گفت، حضرت به وی فرمود: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم من را فراخواندند و من دچار چشم درد شدیدی بودم. آب دهان در چشم مالیدند و سپس فرمود: چشمانت را باز کن» باز کردم، دیگر تاکنون احساس چشم درد نکرده ام. پس برای من دعا کرد و فرمود: «خدایا احساس سرما و گرما را از وی ببر.» پس از آن تاکنون احساس گرما و سرما نمی کنم.

حدیث صاحب النعل

ابو سَعِیدٍ الْخُدْرِیَّ قَالَ:

کُنَّا جُلُوساً نَنْتَظِرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ سَلَّمَ، فَخَرَجَ إلینا قد انْقَطَعَ شِسْعُ نَعْلِهِ، فَرَمَی بِهَا إِلَی علیّ فقال: «إِنَّ مِنْکُمْ مَنْ یُقَاتِلُ عَلَی تَأْوِیلِ الْقُرْآنِ کَمَا قَاتَلْتُ عَلَی تَنْزِیلِهِ».

فقال أبو بکر: أنا؟ قال: «لا».

قال: عمر: أنا؟ قال: «لَا، وَ لَکِنَّ صَاحِبُ النَّعْلِ».

ابوسعید خدری می گوید:

ما به انتظار رسول خدا بودیم حضرت که بند کفششان پاره شده بود به نزد ما آمدند کفش را به علی علیه السلام دادند تا وصله زند. پس فرمود: «از شما کسی است که بر اساس تآویل قرآن می جنگد، همانگونه که من بر اساس تنزیل قرآن

می جنگم.» ابوبکر گفت: آن کس منم؟ فرمود، نه، عمر گفت: منم؟ فرمود: «نه، او کسی است که هم اکنون کفش پاره ی مرا وصله می زند.» (1)

حدیث سابقین

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

سَبَقَ یُوشَعُ بْنُ نُونٍ إِلَی مُوسَی علیه السلام وَ صَاحِبُ یس إِلَی عِیسَی وَ سَبَقَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام إِلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم .

از ابن عباس روایت کرده فقیه شافعی ابن مغازلی در تفسیر آیه شریفه «السابقون السابقون» که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سبقت گرفت یوشع بن نون به سوی موسی و صاحب یس به سوی عیسی و سبقت گرفت علی بن ابی طالب علیه السلام امیرمؤمنان به سوی محمد صلی الله علیه و آله و سلم دیلمی از عایشه و طبرانی و ابن مردویه از ابن عباس گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

سابقین و پیشی گیرندگان سه نفرند. سابقِ موسی، یوشع بن نون است و سابقِ عیسی، صاحب یس و سابقِ به سوی من علی بن ابی طالب علیه السلاَم است.(2)

حدیث لیله الخطاب حضرت موسی علیه السلام

وَ مِنْ ذَلِکَ مَا رَوَاهُ وَهْبُ بْنُ مُنَبِّهٍ قَالَ:

إنّ موسی علیه السلام لیله الخطاب وَجَدَ کُلَّ شَجَرَهٍ وَ مَدَرَهٍ فِی الطُّورِ نَاطِقَه بِذِکْرِ

1- خصائص امیرالمؤمنین، احمد بن شعیب نسائی ص 160.

2- علی قائدالغرّ المحجلین ص 117، به نقل از ترجمه ینابیع الموده ج 2 ص 40.

مُحَمَّدٍ و نُقَبَائِهِ، فَقَالَ: رَبِّی إِنِّی لَمْ أَرَ شَیْئاً مِمَّا خَلَقْتَ إِلَّا وَ هُوَ نَاطقٌ بِذِكْرِ مُحَمَّدٍ و نُقَبَائِهِ فَقَالَ اللَّهُ: یَا ابْنَ عِمْرَانَ إِنِّی خَلَقْتُهُمْ قَبْلَ الْأَنْوَارِ وَ جَعَلْتَهُمْ خزانه الْأَسْرَارِ یُشَاهِدُونَ أَنْوَار مَلَكُوتِی وَ جَعَلْتَهُمْ خزانه حكمتی و معدن رحمتی و لسان سرّی و كلمتی خَلَقْتُ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهَ لِأَجْلِهِمْ.

فَقَالَ مُوسَی علیه السلام: ربّی فَاجْعَلْنِی مِنْ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ.

فَقَالَ: یَا ابْنَ عِمْرَانَ إِذَا عَرَفْتَ مُحَمَّداً وَ أَوْصِیَائَهُ وَ عَرَفْتَ فَضْلَهُمْ و آمَنْتَ بِهِمْ فَأَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ. (1)

روایت كرده وَهْبُ بْنُ مُنَبِّهٍ كه گفت: موسی علیه السلام شبی كه مورد پذیرش و خطاب الهی قرار گرفت وقتی به كوه طور رفت به هر درختی كه می رسید مشاهده می كرد كه درختان همه ذاكر به ذكر محمّد و آل محمّد علیهم السلام هستند.

پس موسی گفت: پروردگارا به درستی كه من ندیدم شیء ای از مخلوقاتت را جز اینكه ناطق به ذكر محمد و آل محمد علیهم السلام بودند.

حضرت حق فرمودند: ای پسر عمران، به درستی كه من خلق كردم ائمه را قبل از اینكه اشیاء دیگر را خلق كنم و آنها را خزانه داران اسرار و شاهدان انوار ملكوتم قرار دادم و اینها خزانه دار حكمتم هستند و معدن رحمتم و زبان سرّ و كلمه ی من و دنیا و آخرت را فقط به خاطر اینها خلق كردم.

پس موسی گفت: پروردگارا مرا از امت محمّد قرار ده. پس حضرت حق جلّت عظمته، فرمودند: ای پسر عمران هنگامی كه محمد و اوصیائش را شناختی و به فضل اینها معرفت پیدا كرده و ایمان به ایشان آوردی تو از امت محمد خواهی بود.

1- الأربعین فی حبّ امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ص 31.

علی علیه السلام میان دو خلیل

فی کنز العمال و لفظه: (1) قالَ رَسوُلُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

إنَّ اللَّهَ اتَّخَذَنِی خَلِیلًا کَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلًا، فقصری فِی الْجَنَّهِ وَ قَصْرُ إِبْرَاهِیمَ فِی الْجَنَّهِ مُتَقابِلِینَ وَ قَصْرُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ بَیْنَ قَصْرِی وَ قَصْرِ إِبْرَاهِیمَ فَیَا لَهُ مِنْ حَبِیبٍ بَیْنَ خَلِیلَیْن

(قَال) أخرجه الحاکم فِی تَارِیخِهِ و البیهقی فِی فَضَائِلِ الصَّحَابَهِ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

خدای تعالی مرا خلیل خود ساخت همانطور که ابراهیم علیه السلام را خلیل خود قرار داده بود، برای همین قصر من در بهشت روبروی قصر حضرت ابراهیم علیه السلام قرار دارد و قصر علی علیه السلام هم در میان قصر من و قصر حضرت ابراهیم علیه السلام بر پا شده است. اینک خوشا به حال محبوبی که در میان دو خلیل است.

«متقی» گفته است که «حاکم» این حدیث را در «تاریخ بیهقی» در فضائل صحابه نقل کرده است. (2)

علی علیه السلام منار الأنام

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمودند:

یَا عَلِیُّ! إِنَّکَ مَنَارَهُ الْأَنَامِ وَ غَایَهُ الْهُدَی.(3)

ای علی! همانا تو منار مردم و غایت هدایتی.

1- کنز العمال ج 6 ص 156.
2- فضائل الخمسه من الصحاح السته ج 3 ص 115، سید مرتضی فیروزآبادی.
3- شواهد التنزیل ج 1 ص 393، احقاق الحق ج 20 ص 384 و ج 22 ص 343.

حدیث صُلب

حدیث اوّل

الطَّبَرَانِی عَنِ الْخَطِیبِ عَنِ جَابِرٍ قَالَ النَّبِیُّ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِی وَ سَلَم

«إِنَّ اللهَ جَعَلَ ذُرِّیَّهَ نَبِیٍّ فِی صُلْبِهِ وَ جَعَلَ ذُرِّیَّتِی فِی صُلْبِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام»

طبرانی از جابر و خطیب از ابن عباس گوید:

رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِی وَ سَلَم فرمود:خدای سبحان قرارداد فرزندان هر پیغمبری را در صُلب او و فرزندان مرا در صُلب علی بن ابیطالب علیه السلام .

حدیث دوم

«خداوند نسل و اولاد هر پیغمبری را در صُلب او قرار داد و ذریه مرا در صُلب علی بن ابی طالب علیه السلام گذاشت.»

حدیث سوم

جابر فرزند عبدالله انصاری گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدای با قدرت و جلالت نسل هر پیامبری را در پشت خودش قرار داده است. و خدا نسل محمد را از پشت علی بن ابیطالب علیه السلام قرار داده است. (1)

حدیث اختیار

عَنْ أَبِی أَیُّوبَ أنصاری إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ قَالَ بِفَاطِمَهَ:

أَ مَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ اطَّلَعَ إِلَی أهلِ الْأَرْضِ فَاخْتَارَ مِنْهُم أَبَاکِ فَبَعَثَهُ نَبِیّاً ثُمَّ اطَّلَعَ ثَانِیَهً فَاخْتَارَ مِنْهُم بَعْلَکِ فَأَوْحَی إِلَیَّ فَأَنْکَحْتُهُ إِیَّاکِ وَ اتَّخَذْتُهُ وَصِیّاً.(2)

1- کتاب علی قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِین ص 116 به نقل از: حدیث 72 از کتاب مناقب ابن مغازلی ص 72.

2- کفایه الطالب ص 296.

ابو ایوب انصاری گوید: که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه سلام الله علیها فرمود: آیا نمی دانی که خداوند به مردم روی زمین نگریست و از میان همه ی آنها پدرت را انتخاب کرده و به پیغمبری مبعوث فرمود؟ آنگاه بار دوم نگریست شوهرت را اختیار کرد و به من وحی فرستاد که تو را به او تزویج نموده و او را جانشین خود قرار دهم.

حدیث شباهت

حدیث اول

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ:

یَا عَلِیُّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ فِیکَ مَثَلًا مِنْ عِیسَی علیه السلام أَبْغَضَتْهُ الْیَهُودُ حَتَّی بَهَتُوا أُمَّهُ وَ أَحَبَّتْهُ النَّصَارَی حَتَّی أَنْزَلُوهُ الْمَنْزِلَ الَّذِی لَیْسَ لَهُ بِأَهْل (1)

ای علی خداوند در تو شباهتی به عیسی بن مریم علیه السلام قرار داده، یهود او را دشمن داشتند، حتی این که به مادرش بهتان زدند، نصاری او را دوست داشتند و منزلتی برای او قائل شدند که اهل آن نبود.

حدیث دوم

و احمد و بزار و ابویعلی و حاکم از علی علیه السلام نقل کردند که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا خواند نزد خود و فرمود: در تو شباهتی می باشد به عیسی علیه السلام (در حق تو گفته می شود آنچه برای عیسی علیه السلام گفتند.) یهود دشمن وی بودند تا آنجا که به مادرش بهتان زدند و نصاری دوست او بودند. تا آنجا که گفتند برای او چیزی را که دارا نبود. بعد علی علیه السلام فرمود: بدانید در من دو گروه

1- علی قَائِد الْغُرِّ الْمُحَجَّلِین ص 109.

و دو طایفه هلاک و نابود می شوند، دوست مفرط که به من نسبت می دهد آنچه که در من نیست و دشمنی که وا دارد دشمنی من او را به بهتان زدن در من. (1)

حدیث هُجوم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّهَ عَلَی مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَیْتِی أَوْ قَاتَلَهُمْ أَوْ أَغَارَ عَلَیْهِمْ أَوْ سَبَّهُم (2)

خداوند بهشت را بر کسی که به خاندان من ستم کند یا با آنها مقاتله کند یا به آنها هجوم بیاورد و یا دشنام به آنها دهد حرام کرده است.

احمد و حاکم به سند صحیح از ام سَلَمَه گوید: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که دشنام بدهد علی را، مرا دشنام داده است(3)

از طرفی باید گفت که کلیه مردم مدینه ظالم به اهل بیت علیهم السلام بودند به جز تعداد افرادی که انگشت شمار در مدینه در کنار اهل بیت علیهم السلام قرار گرفتند.

به این دلیل تمام مردم مدینه ظالم به اهل بیت علیهم السلام بودند که دختر رسول خدا فاطمه سلام الله علیها در روزهای آخر عمر خویش به علی علیه السلام خطاب نمودند که ای علی! من راضی نیستم آنهایی که به من ظلم کرده اند در تشییع جنازه ام حاضر شوند و این مسئله مُحْرَز و یقینی می باشد که هیچ کس از مردم مدینه توفیق بر نماز و تشییع بدن دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را پیدا نکرد حتی محبّین آن حضرت و از باب غلبه باید گفت اینان ظالم بودند چون هیچ کدام توفیق تشییع و تجلیل از

1- ترجمه ینابیع الموده ج 2 ص 38.
2- ذخائرالعقبی ص 20.
3- ترجمه ینابیع الموده ج 2 ص 38.

پیکر پاک گوهر تابناک اهل بیت را پیدا نکردند «أَوْ قَاتَلَهُمْ» و آنهایی که قاتل اهل بیت علیهم السلام بودند آنها نیز بهشت بر ایشان حرام می باشد یعنی قاتلین حضرت زهرا سلام الله علیها (غاصبین، معاندین، مهاجمین به خانه و آنانی که آتش زدند درب خانه ی حضرت را) و قاتل علی علیه السلام و قاتل امام حسن علیه السلام و قاتل امام حسین علیه السلام و سایر ائمه ی اطهار علیهم السلام «أَوْ أَغَارَ عَلَيْهِمْ» مهاجمین در مدینه مهاجمین در صفّین و جمل و نهروان و مهاجمین در کربلا که چون گرگ به خیمه های اباعبدالله الحسین علیه السلام حمله کردند و پرده های خیام را پاره پاره کردند ...

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِبَاءِ.

«أَوْ سَبَّهُم» معاویه و همان افرادی که به دستور معاویه به علی علیه السلام دشنام می دادند که در نهایت با صلح مصلحتی امام حسن علیه السلام با معاویه یکی از شرایط معاهده ممنوع بودن دشنام در بالای منبر به علی علیه السلام و پذیرش معاویه شد پس این پیش بینی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تحقق پذیرفت و معاویه مصداق ظاهر و آشکار دشنام دهنده ی به اهل بیت علیهم السلام قرار گرفت که آتش دوزخ جایگاهش خواهد بود.(1)

حدیث استرشاد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

أَ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَنْ إِنِ اسْتَرْشَدْتُمُوهُ لَنْ تَضِلُّوا وَ لَنْ تَهْلِكُوا؟

1- علی پیشوای روسفیدان ص 108.

قالو بلی یا رسول الله، قال هُوَ هَذَا و إشارَ إلی علی بن ابیطالب علیه السلام، ثُمَّ قال و أخوُهُ و وازِرُوهُ و أصْدِقوُهُ وَ انصِحوُهُ فَإنَّ جبرئیلَ أخْبِرْنِی بِمَا قُلْتُ لَکمْ.(1)

زید بن ارقم گوید ما هنگامی که در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم حضرت فرمود:

آیا شما را راهنمایی نکنم به کسی که چون از او استرشاد کنید هرگز گمراه نشوید و هرگز به هلاکت نیفتید؟ گفتند: آری یا رسول الله! حضرت فرمود: آن شخص این است و اشاره به علی بن ابیطالب علیه السلام نمود و سپس فرمود: با او برادری کنید و یاری اش نمایید و او را محبّ صادق و دوست راستین باشید زیرا آنچه را که (درباره ی او) به شما گفتم جبرئیل به من خبر داد.

حدیث فاروق

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

سَتَکوُنَ بَعدی فِتنَهٌ فإذا کانَ ذلک فالَزِموُا عَلی بنَ ابی طالِب فإنَّهُ أوَّلُ مَنْ آمَنَ بِی وَ أوَّلُ مَنْ یصافِحُنی یوْمَ الْقِیامَهِ وَ هُوَ الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ وَ هُوَ فَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّهِ یُفَرِّقُ بَیْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ هُوَ یَعْسُوبُ الدّین.(2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به زودی پس از من فتنه ای برپا خواهد شد، پس زمانی که چنین شد ملازم علی بن ابیطالب علیه السلام باشید زیرا که او اول کسی است که به من ایمان آورد و اول کسی است که در روز قیامت با من مصافحه می کند، او صدّیق اکبر و فاروق (جدا کننده) این امت است که میان حق و باطل جدایی افکند و او بزرگ و پیشوای دین است.

1- مناقب ابن مغازلی ص 245.
2- اسدالغابه ج 5 ص 287.

دوستی حضرت علی علیه السلام و فضائل شیعیان

دوستی حضرت علی علیه السلام برترین اعمال است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

إِنَّ حُبَّ عَلِیٍّ سَیِّدُ الْأَعْمَالِ (1)

دوستی علی بهترین عمل و سرور همه ی اعمال است.

دوستی علی علیه السلام سعادتمندی به تمام معنا.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره به علی علیه السلام نموده و فرمود:

« هُوَ هَذَا الَّذِی أَحْصَی اللَّهُ فِیهِ عِلْم کُلَّ شَیْ ءٍ، و أَنَّ السَّعِیدَ کُلَّ السَّعِیدِ حَقَّ السَّعِیدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِیّاً علیه السلام فِی حَیَاتِهِ وَ بَعْدَ وَفَاتِهِ، وَ إِنَّ الشَّقِیَّ کُلَّ الشَّقِیِّ حَقَّ الشَّقِیِّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِیّاً فِی حَیَاتِهِ وَ بَعْدَ وَفَاتِه »

«او امام مبین است که خدا علم هر چیز را در او فراهم آورده است و همانا خوشبخت و سعادتمند به تمام معنا کسی است که علی علیه السلام را در دوران زندگی

1- فضائل ابن شاذان ص 141، بحارالأنوار ج 40 ص 46.

و پس از مرگ دوست داشته باشد، گمراه و بدبخت به تمام معنا کسی است که با علی علیه السلام در دوران زندگی و پس از مرگ خود دشمنی کند.» (1)

جان کندن او به راحتی صورت می گیرد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِیّاً یُهَوِّنُ اللَّهُ عَلَیْهِ سَکَرَاتِ الْمَوْتِ وَ یَجَعَلُ قَبْرَهُ رَوْضَهً مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ

آگاه باشید هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خدا جان کندن را بر او در هنگام مرگ آسان می گرداند و قبر او را باغی از باغهای بهشت قرار می دهد. (2)

شیعه و دوستدار امیرالمؤمنین علیه السلام در این دنیا در بهشت است.

در محضر امام صادق علیه السلام شخصی عرض نمود: خدایا بهشت خود را نصیب ما بفرما! حضرت فرمودند:

شما شیعیان در همین دنیا هم در بهشت هستید، از خداوند بخواهید که از بهشت خارجتان نسازد. عرض شد: فدایتان شوم چگونه در بهشت هستیم در حالی که در دنیا هستیم؟ حضرت فرمودند: آیا شما اقرار به امامت ما ندارید؟ عرض شد چرا و فرمودند: همین (لذت ایمان شما) بهشت شماست و آن کسی که اقرار به امامت ما داشته باشد در بهشت است، از خداوند بخواهید که ولایت ما را از شما نگیرد(3)

ص:89

1- مشارق الأنوار فی فضائل امیرالمؤمنین ص 55.
2- همان ص 187 ح 103.
3- انساب النواصب ص 24 به نقل از بحارالانوار ج 2 ص 74.

خوشا به حال شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام

عمرو بن ابی المقدام از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: آگاه باشید که هر چیزی را گوهری است و گوهر فرزندان آدم علیه السلام حضرت محمد است و پس از آن حضرت، ما ائمه طاهرین و شیعیانمان هستیم.

خوشا بر شیعیان ما که چه نزدیکند به عرش خدای عزّوجل و چه نیکو است رفتار خدای عزّوجل نسبت به آنان در روز قیامت. به خدا سوگند! اگر بر مردم بزرگ و گران نمی آمد و شیعیان را خودبینی فرا نمی گرفت فرشتگان رو در رو به آنها سلام می کردند. به خدا سوگند! هیچ بنده ای از شیعیان ما نیست که قرآن را ایستاده در حال نماز بخواند جز آن که در برابر هر حرفی از آن صد حسنه به او دهند و اگر نشسته بخواند به هر حرفی پنجاه حسنه به او دهند و شخص خموش از شیعیان ما ثواب قرآن خوان مخالفین را دارد، شما به خدا قسم در بسترهای خود خفته اید و مزد مجاهدان را دارید و در نماز هستید و ثواب صف بستگان در راه خدا را دارید، شمایید به خدا سوگند آن کسانی که خدای عزّوجل درباره شان فرموده: «وَ نَزَعْنا ما فِی صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْواناً عَلی سُرُرٍ مُتَقابِلِین(1)

یعنی «کینه ای که در سینه شان بوده کنده ایم و برادرانه بر تختها روبروی هم هستند»

به راستی که شیعیان ما چهار چشم دارند، دو چشم در سر، دو چشم در دل، آگاه باشید که همه این طورند ولی خدای عزّوجل چشمهای شما را بینا کرده به ولایت ما و چشمهای مخالفین ما را به ولایت کور کرده است.(2)

1- فجر: 47.

2- دو بال برای پرواز ص 32، سید ابومحمد به نقل از گلگشت نور، چهارصد حدیث از روضه ی کافی ص 368 ح 179.

ما زیارت شیعیان را دوست می داریم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم من دوست می دارم بوی شما شیعیان جدّم علی علیه السلام و روح شما و دیدن و زیارت نمودن شما را و من بر دین خدا و ملائکه خدا هستم. پس شما شیعیان کمک کنید ما را به وسیله ورع و پاکدامنی و من در مدینه مثل یک تار مو این طرف و آن طرف نگاه می کنم تا یکی از شما را ببینم و دلم آرام بگیرد.»(1)

اجر و ثواب شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در تحمل سختی ها

مُحَمَّد بن أَبِی عُمَارَهَ کُوفِی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هر کس در راه ما به خاطر خونی که از ما ریخته شده، یا حقی که از ما تاراج رفته، یا پرده ی آبرو و حیثیّتی که از ما اهل بیت علیهم السلام یا یکی از شیعیان ما دریده گشته قطره ی اشکی بریزد، بدین سبب خداوند متعال او را یک حُقُب (که هشتاد سال است) در بهشت جای دهد. (2)

دوستی علی علیه السلام در قلب محبّین ثابت تر از کوه احد

«... امیرالمؤمنین علیه السلام رو به اصحابش کرد و فرمود: ای صحابه، به خدا قسم به هیچ کاری اقدام نکردم مگر آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی آن با من عهد و پیمان کرده بود. خوشا به حال کسی که محبت ما اهل بیت در قلب او رسوخ داشته باشد، ایمان در قلب چنین کسی ثابت تر از کوه احد در مکانش خواهد بود و هر

1- انساب النواصب ص 28 به نقل از بحار ج 68 ص 28.
2- دو بال برای پرواز ص 36، به نقل از امالی شیخ مفید ص 193 ح 5.

کس که دوستی ما در قلب او جای نگیرد ایمان در قلب او مانند ذوب شدن نمک در آب است.(1)

با دوستی علی علیه السلام، دوزخ خلق نمی شد.

عن ابن عباس قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

لَوِ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَی حُبِّ عَلِیٍّ بن ابیطالب لَمَا خَلَقَ اللَّهُ النَّارَ.(2)

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر مردم بر دوستی علی بن ابیطالب علیه السلام گرد می آمدند خداوند دوزخ را نمی آفرید.

فقط پرهیزگاران بر دوستی علی علیه السلام ثابتند.

قال ابو جَعْفَرٍ علیه السلام:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قال: لَا يَثْبُتُ عَلَی وَلَايَهِ عَلِیٍّ علیه السلام إِلَّا الْمُتَّقُون (3)

پیامبر فرمود: جز پرهیزگاران کسی بر ولایت علی علیه السلام ثابت نمی ماند.

دوستی علی علیه السلام صحیفه مؤمن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: عُنْوَانُ صَحِيفَهِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِب.(4)

حضرت رسول فرمودند: عنوان صحیفه مؤمن دوستی علی است.

1- اسرار آل محمد (، ص 516.
2- الحکم الزاهره، ترجمه انصاری ص 180.
3- همان.
4- همان.

شیعیان ما از شیرینی آفریده شده اند.

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَارُونَ بْنِ مُوَفَّقٍ الْمَدِینِیِّ عَنْ أَبِیهِ قَالَ بَعَثَ إِلَیَّ الْمَاضِی علیه السلام یَوْماً فَأَکَلْتُ عِنْدَهُ وَ أَکْثَرَ مِنَ الْحَلْوَاءِ فَقُلْتُ مَا أَکْثَرَ هَذِهِ الْحَلْوَاءَ فَقَالَ علیه السلام: إِنَّا وَ شِیعَتَنَا خُلِقْنَا مِنَ الْحَلَاوَهِ فَنَحْنُ نُحِبُّ الْحَلْوَاء. (1)

احمد بن هارون بن موفق المَدِینِی از پدرش نقل کرده که گفت: روزی امام کاظم علیه السلام دنبال من فرستادند پس در محضر حضرتش طعام خوردم و این در حالی بود که سر سفره حضرت شیرینی زیادی قرار داشت پس عرض کردم چقدر این شیرینی ها زیاد است، پس امام علیه السلام در جواب فرمودند: همانا ما و شیعیانمان از شیرینی آفریده شده ایم پس ما شیرینی را دوست داریم.

نوشته ای در زیر عرش مخصوص شیعیان علی علیه السلام

عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْمَدَائِنِیِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا مَعْنَی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی مُحْکَمِ کِتَابِهِ: «وَ ما کُنْتَ بِجانِبِ الطُّورِ إِذْ نادَیْنا»

فَقَالَ علیه السلام: کِتَاباً لَنَا کَتَبَهُ اللَّهُ یَا أَبَا سَعِیدٍ فِی وَرَقٍ قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَ الْخَلَائِقَ بِأَلْفَیْ عَامٍ صَیَّرَهُ مَعَهُ فِی عَرْشِهِ أَوْ تَحْتَ عَرْشِهِ فِیهِ یَا شِیعَهَ آلِ مُحَمَّدٍ

ص:93

1- مراه الأبرار ص 62، ترجمه احمدرضا آقادادی.

أَعْطَیْتُکُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلُونِی وَ غَفَرْتُ لَکُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْتَغْفِرُونِی مَنْ أَتَانِی مِنْکُمْ بِوَلَایَهِ آلِ مُحَمَّدٍ أَسْکَنْتُهُ جَنَّتِی بِرَحْمَتِی(1)

ابوسعید مدائنی گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: معنی این سخن خداوند عزّوجل در قرآن چیست؟ «و تو نبودی آن زمانی که ما در طور ندا کردیم» امام علیه السلام فرمودند:

نوشته ای است که خداوند دو هزار سال قبل از آفرینش مخلوقات آن را برای ما بر روی ورقی نوشت و آن را با خود در عرض یا در زیر عرشش قرار داد و در آن مکتوب آمده است: ای شیعیان آل محمّد، من به شما عطا کردم قبل از آنکه درخواست کنید و قبل از آنکه استغفار کنید. شما را آمرزیدم و هرکه با ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزد من بیاید او را با رحمت خود در بهشت ساکن می کنم.

ثواب طعام دادن به دوستداران علی علیه السلام

عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِی الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَأَنْ أُطْعِمَ رَجُلًا مِنْ شِیعَتِی أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ أَنْ أُطْعِمَ أُفُقاً مِنَ النَّاسِ قُلْتُ کَمِ الْأُفُقُ قَالَ مِائَهُ أَلْفٍ. (2)

عَمْرو بن ابی مِقْدَامِ از قول پدرش از قول امام باقر علیه السلام نقل کند که فرمودند: اگر مردی از شیعیانم را طعام دهم نزد من از اطعام افقی از مردم محبوبتر است. راوی می گوید پرسیدم: افق چه تعدادی از مردم است؟ فرمودند: یکصد هزار نفر.

دوستان علی علیه السلام به اصل و ریشه چنگ زدند.

1- اختصاص للمفید ص 111.
2- وسائل الشیعه: 24/346.

عَنْ حَبِيبٍ قَالَ قَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِاللَّهِ عليه السلام مَا أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكُمْ إِنَّ النَّاسَ سَلَكُوا سُبُلًا شَتَّى مِنْهُمْ آخِذٌ بِهَوَاهُ وَ مِنْهُمْ آخِذٌ بِرَأْيِهِ وَ إِنَّكُمْ أَخَذْتُمْ بِأَمْرٍ لَهُ أَصْل.(1)

شيعيان على عليه السلام متعلّمين هستند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ النَّاسَ رَجُلَانِ عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ سَائِرُ النَّاسِ غُثَاءٌ فَنَحْنُ الْعُلَمَاءُ وَ شِيعَتُنَا الْمُتَعَلِّمُونَ وَ سَائِرُ النَّاسِ غُثَاء

امام صادق عليه السلام فرمودند: در ميان مردم دو دسته مرد وجود دارد: عالم و متعلّم و ساير مردم خار و خاشاک هستند. پس ما عالمان هستيم و شيعيان و دوستان ما اهل آموختن علم (متعلّم) و بقيه ی مردم خار و خاشاک هستند.(2)

محبين على عليه السلام اهل تحيت الله

بِالسَّلَامِ وَ أَهْلُ أَثَرَهِ اللَّهِ بِرَحْمَتِهِ وَ أَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ بِعِصْمَتِهِ وَ أَهْلُ دَعْوَتِهِ بِطَاعَتِهِ لا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ أَسْمَاؤُكُمْ عِنْدَنَا الصَّالِحُونَ الْمُصْلِحُونَ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ الرِّضَا لِرِضَائِهِ عَنْكُمْ وَ الْمَلَائِكَةُ إِخْوَانُكُمْ فِى الْخَيْرِ فَإِذَا اجْتَهَدْتُمْ ادْعُوا وَ إِذَا أَذْنَبْتُمْ اسْتَغْفِرُوا وَ أَنْتُمْ خَيْرُ الْبَرِّيَّهِ بَعْدَنَا دِيَارُكُمْ لَكُمْ جَنَّهٌ وَ قُبُورُكُمْ لَكُمْ جَنَّهٌ- لِلْجَنَّهِ خُلِقْتُمْ وَ فِى الْجَنَّهِ نَعِيمُكُمْ وَ إِلَى الْجَنَّهِ تَسِيرُون

ص:95

1- بحارالأنوار ج 68 ص 90.
2- بصائر الدرجات ص 17.

... قَالَ حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ

أَنْتُمْ أَهْلُ تَحِیَّهِ اللَّه وَ سَلَامِهِ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ أَثَرَهِ اللَّهِ بِرَحْمَتِهِ وَ أَهْلُ تَوْفِیقِ اللَّهِ وَ عِصْمَتِهِ وَ أَهْلُ دَعْوَهِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ لَا حِسَابٌ عَلَیْکُمْ وَ لَا خَوْفٌ وَ لَا حُزْنَ

ابی حمزه گوید شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: (1)شما (محبین) اهل تَحیَّت خدا و رحمت او هستید و از اکرام شدگان حقید و اهل توفیق و در عصمت پروردگارید و اهل دعوت خدا و بندگی او می باشید حساب و ترس و اندوهی بر شما نیست.

ملائکه های الهی برای محبین امیرالمومنین علیه السلام استغفار می کنند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

خَلَقَ اللَّهُ مِنْ نُورِ وَجْهِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام سَبْعِینَ أَلْفَ مَلَکٍ یَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَ لِمُحِبِّیهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَه.(2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند از نور چهره ی علی بن ابیطالب علیه السلام هفتاد هزار ملک بیافریده که تا روز قیامت برای او و محبین او استغفار کنند.

سبیل الله، شیعه است

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ سَأَلْتُ الْعَسْکَرِیَّ علیه السلام بِالْمَدِینَهِ عَنْ رَجُلٍ أَوْصَی بِمَالٍ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَقَالَ سَبِیلُ اللَّهِ شِیعَتُنَا.(3)

1- همان ص 14.
2- بحارالانوار ج 68 ص 142.
3- مرآه الابرار ص 128 ترجمه احمدرضا آقادادی.

حسن بن راشد گوید: در مدینه از امام عسکری علیه السلام در مورد مردی که وصیت کرده بود مالی را در راه خدا (سبیل الله) خرج کنند سؤال کردم که سبیل الله چه راهی است؟ امام فرمودند: سبیل الله شیعیان ما هستند.

کیفیت خانه های بهشتی شیعیان

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام:

إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّهِ لَيَنْظُرُونَ إِلَى مَنَازِلِ شِيعَتِنَا كَمَا يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى الْكَوَاكِبِ فِی السَّمَاءِ. (1)

امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: همانا اهل بهشت به منازل شیعیان ما نگاه می کنند همانگونه انسان به ستارگان آسمان نگاه می کند.

اگر شیعه علی علیه السلام نبود، مخالفین شیعه ابداً از خوبی بهره ای نمی بردند

امیرالمومنین علیه السلام به قنبر فرمود: بشارت باد شما را و خوشحال شوید، به خدا قسم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درگذشت در حالی که بر امتش خشمناک بود مگر گروه شیعیان، بدانید برای هر چیز شرفی است و شرف دین شیعه است، برای هر چیزی سروری است و سرور مجالس جایگاه شیعیان است و برای هر چیزی پیشوایی است و پیشوای زمین ها، زمینی است که شیعه در آن مأوی گزینند، بدانید، برای هر چیزی محبوبی هست و محبوب دنیا مسکنی است که شیعه ما در آن جای دارد. به خدا قسم اگر کسی از شما در زمین نبود مخالفین شما ابداً از خوبی و پاکیزگی بهره ای نمی بردند و در آخرت نصیبی نداشتند ...» (2)

ص:97

1- مرآه الابرار ص 216.
2- فضائل الشیعه ص 11.

محبّ علی علیه السلام بر ملّت ابراهیم علیه السلام است

عَنْ أَبِی ذَرٍّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَیْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَدْ ضَرَبَ کَتِفَ عَلِیِّ بْنِ أَبِیطَالِبٍ علیه السلام بِیَدِهِ وَ قَالَ یَا عَلِیُّ مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ الْعَرَبِیُّ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا فَهُوَ الْعِلْجُ فَشِیعَتُنَا أَهْلُ الْبُیُوتَاتِ وَ الْمَعَادِنِ وَ الشَّرَفِ وَ مَنْ کَانَ مَوْلِدُهُ صَحِیحاً وَ مَا عَلَی مِلَّهِ إِبْرَاهِیمَ علیه السلام إِلَّا نَحْنُ وَ شِیعَتُنَا وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْهَا بُرَآءُ وَ إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِکَهً یَهْدِمُونَ سَیِّئَاتِ شِیعَتِنَا کَمَا یَهْدِمُ الْقَدُومُ الْبُنْیَان(1)

ابوذر رضی الله عنه گوید: دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر کتف علی بن ابیطالب علیه السلام زد و فرمود: یا علی کسی که ما را دوست داشته باشد از عرب است (یعنی از ماست) و کسی که ما را دشمن داشته باشد بی دین است، شیعیان ما اصیل زاده و از خاندان شَرَفند و کسی که بر ملت ابراهیم علیه السلام نیست مگر ما و پیروان ما و سایر مردم از این راه بدورند.

منادی در عرصه ی قیامت، ندای أَیْنَ الْمُحِبُّونَ سر می دهد

وَ رَوَی العلامه الطبری رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَیْهِ باسناده من طریق العامه عن فراش بن عبدالله، أخبرنا أنس قال:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا حَالُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم:

تَسْأَلُنِی عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِیطَالِبٍ یَرِدُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ عَلَی نَاقَهٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّهِ قَوَائِمُهَا مِنَ الزُّمُرُّدِ الْأَخْضَرِ عَیْنَاهَا یَاقُوتَتَانِ حَمْرَاوَانِ سَنَامُهَا مِنَ الْمِسْکِ

1- فضائل الشیعه ص 12.

الْأَذْفَرِ مَمْزُوجٌ بِمَاءِ الْحَيَوَانِ عَلَيْهِ خلعان مِنَ النُّورِ مُتَّزِرٌ بِوَاحِدَةٍ وَ مُرْتَدٍ بِالْأُخْرَى بِيَدِهِ لِوَاءُ الْحَمْدِ لَهُ أَرْبَعَةُ شِقَّةٍ لَمُلِئَتْ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَنْ يَمِينِهِ وَ جَعْفَرٌ الطَّيَّارُ عَنْ يَسَارِهِ وَ فَاطِمَةُ مِنْ وَرَائِهِ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فِيمَا بَيْنَهُمَا وَ مُنَادٍ يُنَادِي فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَهِ أَيْنَ الْمُحِبُّونَ وَ أَيْنَ الْمُبْغِضُونَ؟ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّه. (1)

علامه طبری نقل می کند از اَنَس از طریق عامه (اهل سنت) از فراش بن عبدالله که گفت: مردی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای رسول خدا علی بن ابیطالب علیه السلام چگونه است؟

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

سؤال می کنی از علی بن ابیطالب علیه السلام، همان کسی که روز قیامت در حالی وارد می شود که بر یکی از ناقه های بهشتی سوار است که پاهایش از زمرّد سبز، دیدگانش از درّ و یاقوت سرخ خواهد بود، دم آن از مشک نابِ آمیخته با آب حیات بر او دو جامه از نور است پای جامه ای و عبایی

به دست او پرچم حمد است با چهار پاره (قسمت) که فاصله ی بین آسمان و زمین را پر کرده است.

حمزه بن عبدالمطلب از سمت راست و جعفر طیار از سمت چپ و فاطمه سلام الله علیها از پشت سر و حسن و حسین علیهما السلام از پیش در حالی که منادی در عرصه و سرای قیامت ندا در می دهد: کجا هستند دوستداران و کجا هستند دشمنان. این علی علیه السلام است در حالی که نامه اش به دست راست اوست داخل بهشت می شود.

1- همان: ص 15.

حدیث ابوذر رضی الله عنه

رَوَی الْحَاکِمُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ النَّیْشَابُورِیِّ فی «المستدرک» قال: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنِ عُبَیْدٍ الْحَافِظُ بِهَمَدَانَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی ذَرٍّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:

مَا کُنَّا نَعْرِفُ الْمُنَافِقِینَ إِلَّا بِتَکْذِیبِهِم اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ التَّخَلُّفِ عَنِ الصَّلَوَاتِ وَ الْبُغْضِ لِعَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ» ثُمَّ قَالَ: هَذَا حَدِیثٌ صَحِیحٌ.(1)

ابوعبدالله نیشابوری در مستدرک روایت کرد که گفت: ابوجعفر احمد بن عبید حافظ به اسنادش از ابوذر نقل کرد، که گفت: ما منافقین را نمی شناسیم الا به تکذیب خدا و رسولش و تخلف از نمازهای پنج گانه و بغض علی بن ابیطالب علیه السلام . پس گفت: «این حدیث صحیح است.»

افضل عبادتها حبّ علی علیه السلام است

فِی الْمَحَاسِنِ: عَلِیُّ بْنُ الْحَکَمِ أَوْ غَیْرُهُ عَنْ حَفْصٍ الدَّهَّانِ قَالَ قَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

إِنَّ فَوْقَ کُلِّ عِبَادَةٍ عِبَادَةٌ وَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ أَفْضَلُ عِبَادَه وَ فِی خَبَرٍ آخَرَ حُبُّ عَلِیٍّ سَیِّدُ الْأَعْمَالِ.(2)

در محاسن از علی بن حَکَم از حَفْص دَهّان است که گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند: به درستی که بالای هر عبادتی، عبادتی وجود دارد و حبّ ما اهل بیت بالاترین و افضل ترین عبادتهاست و در خبر دیگر است که: حبّ علی آقای تمام اعمال است.

ص:100

1- الاربعین فی حبّ امیرالمؤمنین ج 1 ص 61.
2- الاربعین ص 71 به نقل از القطره ج 2 ص 23.

دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام شرط توحید

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِیِّ قَالَ:

جَاءَ أَعْرَابِیٌّ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ لِلْجَنَّهِ مِنْ ثَمَنٍ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: مَا ثَمَنُهَا؟ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ یَقُولُهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ مُخْلِصاً بِهَا. قَالَ: وَ مَا إِخْلَاصُهَا؟ قَالَ: الْعَمَلُ بِمَا بُعِثْتُ بِهِ فِی حَقِّهِ وَ حُبُّ أَهْلِ بَیْتِی قَالَ: وَ حُبُّ أَهْلِ بَیْتِکَ لَمِنْ حَقِّهَا؟ قَالَ: أَجَلْ، إِنَّ حُبَّهُمْ لَأَعْظَمُ حَقِّهَا. (1)

جابر بن عبدالله انصاری گفت:

بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا بهشت، بهایی دارد؟ فرمود: «آری» عرض کرد: بهایش چیست؟ فرمود: کلمه ی « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که بنده ی صالح آن را از روی اخلاص بگوید. عرض کرد: اخلاصِ آن چیست؟ فرمود: «عمل کردن به آنچه برای آن فرستاده شده ام و دوست داشتن اهل بیت من. عرض کرد: دوست داشتن اهل بیت شما از حقوق این کلمه است؟ فرمود: آری، دوست داشتن آنان، بزرگترین حق آن است.

اولین سوال قیامت درباره ی محبت به علی علیه السلام است

قَالَ حَنَانُ بْنُ سَدِیرٍ: حَدَّثَنِی أَبِی قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فَقَدَّمَ إِلَیْنَا طَعَاماً مَا أَکَلْتُ طَعَاماً مِثْلَهُ قَطُّ، فَقَالَ لِی: یَا سَدِیرُ کَیْفَ رَأَیْتَ طَعَامَنَا هَذَا؟

1- أمالی طوسی: 583 / 1207.

قُلْتُ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا أَکَلْتُ مِثْلَهُ قَطُّ وَ لَا أَظُنُّ أَنِّی آکُلُ أَبَداً مِثْلَهُ ثُمَّ إِنَّ عَیْنِی تَغَرْغَرَتْ فَبَکَیْتُ فَقَالَ: یَا سَدِیرُ مَا یُبْکِیکَ؟ قُلْتُ: یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ذَکَرْتُ آیَةً فِی کِتَابِ اللَّهِ تعالی. قَالَ: وَ مَا هِیَ؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ فِی کِتَابِهِ: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» فَخِفْتُ أَنْ یَکُونَ هَذَا الطَّعَامُ (من النعیم) الَّذِی یَسْأَلُنَا اللَّهُ عَنْهُ فَضَحِکَ حَتَّی بَدَتْ نَوَاجِذُهُ ثُمَّ قَالَ یَا سَدِیرُ لَا تُسْأَلُ عَنْ طَعَامٍ طَیِّبٍ وَ لَا ثَوْبٍ لَیِّنٍ وَ لَا رَائِحَهٍ طَیِّبَهٍ بَلْ لَنَا خُلِقَ وَ لَهُ خُلِقْنَا وَ لْنَعْمَلْ فِیهِ بِالطَّاعَهِ وَ قُلْتُ لَهُ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا النَّعِیمُ قَالَ لِی حُبُّ عَلِیٍّ وَ عِتْرَتِهِ یَسْأَلُهُمُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ کَیْفَ کَانَ شُکْرُکُمْ لِی حِینَ أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ بِحُبِّ عَلِیٍّ وَ عِتْرَتِه

حَنَان بن سَدیر گفت: پدرم به من گفت: نزد جعفر بن محمد علیهما السلام بودم. آن حضرت غذایی در برابرم نهاد که هرگز غذایی مانند آن نخورده بودم. پس به من فرمود: ای سَدِیر غذای ما را چگونه یافتی؟ عرض کردم: پدر و مادر فدایت ای پسر پیامبر خدا! تاکنون چنین غذایی نخورده ام و گمان هم نمی کنم که دیگر غذایی مانند آن بخورم. آنگاه چشمانم پر از اشک شد و گریستم فرمود: ای سدیر! چرا گریه می کنی؟ عرض کردم: یا بن رسول الله! آیه ای از کتاب خدا را به یاد آوردم. فرمود: کدام آیه؟ عرض کردم: این آیه:

«پس در آن روز از نعمت بازخواست می شوید.»

می ترسم این غذا جزء همان نعمتی باشد که خداوند درباره ی آن بازخواست می کند. حضرت خنده ای کرد به طوری که دندانهای عقلش نمایان شد. سپس فرمود: «ای سدیر! از تو، نه درباره ی خوراک لذیذ سؤال خواهد شد و نه درباره ی

جامه ی نرم و نه درباره ی بوی خوش، بلکه اینها برای ما آفریده شده و ما برای استفاده از آنها خلق شده ایم و ما باید در آنها به طاعت خدا عمل کنیم»

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت ای پسر پیامبر خدا! پس آن نعمت کدام است؟ فرمود: دوستی علی و عترت او. در روز قیامت خداوند می پرسد: «در برابر نعمت دوستی علی و عترت او که آن را به شما عطا کردم، چگونه شکر مرا به جا آوردید؟»

محبت به علی علیه السلام مَحک نَسَب فرزندان

1- قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام:

وَ اللَّهِ لَا یُحِبُّنَا مِنَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ إِلَّا أَهْلُ الْبُیُوتَاتِ وَ الشَّرَفِ وَ الْمَعْدِنِ وَ لَا یُبْغِضُنَا مِنْ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ إِلَّا کُلُّ دَنَسٍ مُلْصَق(1)

به خدا سوگند که از عرب و عجم ما را دوست ندارند، مگر کسانی که خانواده دار و شریف و اصیل هستند و از این رو، از اینان و آنان ما را دشمن ندارد مگر کسی که آلوده و بی نَسَب باشد.

2- عُبَادَه بن صامِت می گوید: ما فرزندان خود را با محک دوستی علی بن ابیطالب علیه السلام می آزمودیم. اگر یکی از آنها را می دیدیم که علی بن ابیطالب علیه السلام را دوست ندارد، می فهمیدیم که از نطفه ی ما نیست و حرامزاده است. (2)

پر نورترین افراد روز قیامت، محبین علی علیه السلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

1- اهل بیت (در قرآن و حدیث، ص 612.
2- همان.

أَكْثَرُكُمْ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَكْثَرُكُمْ حُبّاً لِآلِ مُحَمَّدٍ صلى الله علیه و آله و سلم (1)

پر نورترین شما در روز قیامت، کسی است که آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بیشتر دوست بدارد.

محبت به علی علیه السلام، موجب تحقق حکمت بر زبان

قال الصادق علیه السلام:

مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ حَقَّقَ حُبَّنَا فِی قَلْبِهِ جَرَتْ یَنَابِیعُ الْحِکْمَهِ عَلَی لِسَانِهِ وَ جُدِّدَ الْإِیمَانُ فِی قَلْبِهِ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد و دوستی ما را در قلبش تحقق بخشد، چشمه های حکمت بر زبانش جاری گردد و ایمان در دلش نو شود. (2)

دست بریدگی دشمن علی علیه السلام روز قیامت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

لَا یُبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ أَحَدٌ إِلَّا بَعَثَهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَجْذَم(3)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هیچ کس ما اهل بیت را دشمن ندارد، مگر اینکه خداوند در روز قیامت، او را دست بریده برانگیزد.

دشمن علی علیه السلام ملحق به جرگه ی یهود و نصاری

1- اهل بیت (در قرآن و حدیث، محمدی ری شهری ج 2 ص 654.
2- همان ص 653 به نقل از المحاسن: 134/1.
3- ثواب الاعمال: 2/243، المحاسن: 174/1.

جابر بن عبد اللهِ عَن رَسُولِ صلی الله علیه و آله و سلم:

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ يَهُودِيّاً قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ إِنْ صَامَ وَ صَلَّى فَقَالَ وَ إِنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِم

جابر بن عبدالله از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «ای مردم! هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد، خداوند در روز قیامت او را یهودی محشور می کند.

عرض کردم: ای رسول خدا! هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند؟ فرمود: «هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و خود را مسلمان بداند. (1)

نابودی دشمنان علی علیه السلام

امام علی علیه السلام فرمودند: به خاطر من سه کس نابود می شوند و سه کس رستگار می گردند. لعنت کننده ی بر من، شنونده ای که بر آن صِحّه می گذارد و گناهکاری که بار گناه را به دوش می کشد (یعنی پادشاه خوشگذرانی که به واسطه ی ناسزاگویی به من، به وی نزدیکی می جویند و در نزد وی، از دین من بیزاری جسته، بزرگی تبار مرا خوار می شمارند. به درستی که ریشه ی من ریشه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و دین من همان دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

و سه کس به خاطر من رستگار می شوند: دوستدار پیرو، دشمنی آن که با من دشمن است و دوستدار آن که دوستدار من است، هر گاه بنده ای مرا دوست بدارد دوستدار مرا نیز دوست می دارد و با دشمن من دشمنی می کند و از من پیروی می کند.

هر کس باید قلب خویش را بیازماید؛ زیرا خداوند در وجود یک نفر دو قلب قرار نداده تا با یک قلب دوست بدارد و با قلب دیگر دشمنی کند. هر کس قلبش را از

1- امالی صدوق 2/273.

مهر غیر ما سیراب کند، بر ضد ما تبانی کرده است پس بداند که خداوند عز و جل و جبرئیل و میکائیل دشمن اویند و خداوند دشمن کافران است. (1)

نابینایی در روز قیامت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به مهاجران و انصار فرمود:

علی را به خاطر محبت من دوست بدارید و به خاطر گرامی داشتن من گرامی اش بدارید، به خدا سوگند، این را از پیش خود به شما نگفتم: بلکه خداوند والا مرا به گفتن این مطلب فرمان داده است. ای جماعت عرب! هر کس پس از من، علی علیه السلام را دشمن بدارد خداوند در روز قیامت، او را نابینا محشور می کند و او حجتی نخواهد داشت. (2)

سیر کردن دشمن امیرالمومنین علیه السلام؟!

مُعَلّی بن خُنَیْس گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «هر کس شکم یکی از دشمنان ما را سیر کند گویی که یکی از شیعیان ما را کشته باشد». (3)

محروم شدن از باران به خاطر دشمنی با علی علیه السلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همان طور که خداوند از فرو فرستادن باران بر قوم بنی اسرائیل به خاطر بدرفتاری شان با پیامبرانشان امتناع کرد، از فرو فرستادن باران بر این امت نیز به خاطر دشمنی شان با علی بن ابیطالب علیه السلام امتناع کرد.(4)

1- دانشنامه امیرالمومنین علیه السلام، ری شهری، به نقل از الغارات 2/589، تفسیر فرات: 61/24.
2- همان، حدیث 61178 به نقل از شواهد التنزیل 1/495/523.
3- دو بال برای پرواز ص 37 ابومحمد به نقل از معانی الاخبار باب 408.
4- تاریخ دمشق 42/282/8813.

دشمنی با علی علیه السلام دشمنی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اوست

مجمع الزوائد به نقل از ابورافع نقل کرده است:

پیامبر خدا علی علیه السلام را به یمن فرستاد. مردی از قبیله ی اَسْلَم که به وی عَمْرِو بن شَاس اَسْلَمی گفته می شد، همراه وی رفت. این مرد برگشت در حالی که از علی علیه السلام بدگویی و شِکْوِه می کرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دنبالِ وی فرستاد و آنگاه به وی فرمود:

دور شو، ای عَمْرو! آیا از علی ستمی در داوری دیدی، یا دیدی که او خود را در تقسیم بیت المال بر دیگران ترجیح دهد؟

گفت: به خدا خیرا! فرمود: «پس برای چه این چیزهایی را که به من خبر داده اند، می گویی؟» گفت: نمی توانم از دشمنی با او خودداری کنم.

پیامبر خدا چنان خشمناک شد که خشم از چهره اش هویدا بود. آنگاه فرمود: کسی که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است و کسی که مرا دشمن بدارد خداوند را دشمن داشته است و دوستدار او دوستدار من است و دوستدار من دوستدار خداوند عز و جل است. (1)

جایگاه اعراف مخصوص علی علیه السلام و شیعیانش

علی بن ابراهیم در تفسیر سوره ی اعراف ذیل آیه ی «وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ» می گوید که: روایت کرد پدرم از حسن بن محبوب و از او ابی اَیوب و او از «بُرَیْد» و وی از امام هشتم ابا عبدالله علیه السلام که فرمودند:

اعراف جایگاه بلند و زیبایی بین بهشت و دوزخ است و منظور از «رِجالٌ» (مردان) علی علیه السلام و فرزندان او هستند که در کنار شیعیان خود در اعراف می ایستند در حالی که مؤمنان بدون حساب در بهشت بسر می برند ائمه ی اطهار

1- دانشنامه امیرالمومنین علیه السلام به نقل از مجمع الزوائد 9/174/14737.

علیهم السلام به شیعیان خود که مرتکب گناهانی شده اند می فرمایند به برادران خود نگاه کنید که بدون حساب به بهشت رفته اند و به دشمنانتان در دوزخ نظر بیفکنید و این است مفهوم فرموده خداوند در قرآن آنجا که می فرماید: اعرافیان بر بهشتیان سلام می کنند در حالی که داخل بهشت نشده اند ولی امیدوارند و توقع دارند که وارد آن شوند. (1)

محافل و مجالس به واسطه ی حب علی علیه السلام زینت داده می شود

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

«عَلِیٌّ مِنِّی وَ أَنَا مِنْ عَلِیٍّ مَنْ تَوَلَّی عَلِیّاً فَقَدْ تَوَلَّانِی حُبُّهُ نِعْمَهٌ وَ اتِّبَاعُهُ فَضِیلَهٌ لَمْ یَمْشِ عَلَی وَجْهِ الْأَرْضِ مَاشٍ أَکْرَم مِنْهُ بَعْدِی، أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَیْهِ رِدَاءَ الْفَضْلِ وَ الْفَهْمِ وَ زَیَّنَ بِهِ الْمَحَافِلَ و أَکْرَمَ بِهِ الْمُؤْمِنِینَ وَ نَصَرَ بِهِ الْعَسَاکِرَ و أَعَزَّ بِهِ الدِّینَ وَ أَخْصَبَ بِهِ الْبِلَادَ وَ أَعَزَّ بِهِ الْأَخْیَارَ» (2)

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علی از من است و من از علی، هر کس علی را یاری کند مرا یاری کرده و حب علی نعمت بزرگی است و تبعیت و پیروی او فضیلت. بر زمین راه نرفت کسی جزء علی که بعد از من با کرامت ترین افراد باشد. و خداوند بر او لباس فضل و فهم و ادراک را نازل کرد و به واسطه ی علی علیه السلام مجالس و محافل را زینت بخشید و دین را به واسطه ی او عزیز کرده و شهرها را به واسطه ی او سرسبز و خرم کرده و خوبان به واسطه ی او عزت یافتند.

1- رساله الأربعین فی احوال النُصّاب و المخالفین امیر فیض الله تفرشی، ص 187.
2- الاربعین فی حب امیرالمومنین علیه السلام ج 1 ص 30، ابومعاش نشر، انوار الهُدی.

منابع و مآخذ:

1) الیقین، سید بن طاووس، منشورات، موسسه ی دار الکتب، قم.

2) فضائل الخمسه، حسینی فیروز آبادی، سید مرتضی، منشورات دارالکتب اسلامیه، تهران.

3) الغدیر علامه امینی، منشورات امام امیرالمومنین علیه السلام، تهران.

4) الصواعق المحرقه، احمد بن حجر هیثمی.

5) بشاره المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم شیخ ابوجعفر، محمد بن علی طبری، مکتبه حیدریه، نجف

6) اثبات الهدایه، مرحوم شیخ حر عاملی، منشورات مطبعه علمیه، قم.

7) احقاق، سید نورالله حسینی مرعشی، کتابخانه ی آقای مرعشی، قم.

8) الارشاد، شیخ مفید، قم، نشر بصیرتی.

9) فصول المهمه فی معرفه الائمه، نورالدین ابن صباغ مالکی، چاپ ایران.

10) علی یا علی، مهدی فقیه ایمانی، چاپخانه امیر.

11) القطره، سید احمد مستنبط، نشر حاذق.

12) امام امیرالمومنین از دیدگاه خلفاء، مهدی فقیه ایمانی، نشر عطر عترت.

13) حدیقه الشیعه، شیخ مقدس اردبیلی.

14) اهل بیت، عرشیان فرش نشین، حسین انصاریان.

15) علی قائد الغر المُحجلین، سید فخرالدین موسوی، نشر بهار 1381 ش.

16) روضه کافی، محمد بن یعقوب کلینی، نشر موعود السلام.

17) أَمَالِی الشیخ الطوسی، نشردار الثقافه، قم 1414 ه.

18) کنز العمال، تقی هندی، الرساله، بیروت.

19) ینابیع الموده، قندوزی، منشورات دارالکتب العراقیه.

20) المناقب، ابن مغازلی، مکتبه اسلامیه، تهران.

21) فرائد السمطین، حموینی، نشر محمودی، بیروت.

22) محاسن، احمد بن محمد برقی، منشورات مطبعه حیدریه.

23) مائه منقبه: شیخ محمد بن احمد قمی معروف به ابن شاذان، موسسه الامام المهدی علیه السلام، قم.

24) مدینه المعاجز، سید هاشم بَحرانی، موسسه ی معارف اسلامیه، قم.

25) مروج الذهب، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، منشورات دارالهجره، قم.

26) مشارق أنوار یقین، حافظ رَجَب بُرْسِی منشورات، موسسه ی اعلمی، بیروت.

27) المناقب، علامه الموفق بن احمد خوارزمی، نشر جامعه المدرسین، قم، چاپ دوم 1411 ه.ق

28) المناقب المرتضویه، میر محمد صالح کشفی صنفی.

29) دخائر العُقْبی، محب الدین طبری، چاپ مصر، المکتبه المقدس.

30) کنوز الحقایق، علامه المنادی، چاپ بولاق.

31) مناقب آل ابیطالب علیهم السلام: ابن شهر آشوب، نشر موسسه انتشارات علامه، قم.

32) مُسند احمد، احمد بن حَنْبل، نشر دار صادر، بیروت.

33) بصائر الدرجات الکبری، محمد بن الحسن بن فروح الصفار، موسسه الاعلمی، طهران، 1404 ه.ق.

34) صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل البُخاری، نشر دارالفکر، بیروت 1401 ه.

35) صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج النیشابوری، نشر دارالفکر، بیروت.

36) عَلی علیه السلام اِمامُنا، محمد الرَضْی الرَضَوی، بی تا.

ص:110

37) نَهجُ الایمان، زین الدین علی بن یوسف بن جبر، تحقیق سید احمد حسینی، نشر امام هادی، مشهد.

38) اهل بیت در قرآن و حدیث، محمدی ری شهری، نشر دارالحدیث.

39) الفصول العلیه فی مناقب امیرالمومنین علیه السلام شیخ عباس قمی، نشر موسسه در راه حق، قم.

40) علی العالی، الشیخ مجتبی العراقی نشر السماحه المولف.

41) فروغ هدایت، سید علی بهبهانی، ترجمه علی دوانی، چاپ علمیه قم.

42) رساله الاربعین فی احوال النُّصابِ و المخالفین، امیر فیض الله تفرشی، ترجمه سید ابوالفضائل مجتهدی، نشر مفید.

43) معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی رضا زکی زاده، نشر جام جوان.

44) حلیم، الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار موسسه المعارف الاسلامیه، 1411 ه.ق.

45) مقام الامام امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام الطبعه الرابعه، النجف.

46) تاریخ بغداد، للحطیب البغدادی، دارالکتب العلمیه، بیروت.

47) طبقات الکبری، ابن سعد، دار بیروت.

48) علی علیه السلام در کتب اهل تسنن، سید محمد باقر موسوی همدانی، تنظیم احمد رضا کشوری، نشر پورشاد، تهران.

49) اربعین فی حب امیرالمومنین علیه السلام، ابومعاش، نشر انورالهدی.

ص:111

بسمه تعالی
هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109